



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

رجعت

حضرت زهرا

جواد بیگی گلشنری

مقدمه حضرت الاسلام والسلمین شیخ محمد بن اسماعیل شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رجعت حضرت زهرا (عليها السلام)

نويسنده:

جواد بيگي كلشتری

ناشر چاپي:

نورالحیات

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	رجعت حضرت زهرا (علیها السلام)
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست
۱۱	مقدمه
۱۳	بخش اول: رجعت به چه معناست؟
۱۴	فصل اول: رجعت چیست؟
۱۵	فصل دوم: رجعت از دیدگاه قرآن
۵۷	فصل سوم: رجعت از دیدگاه روایات
۶۲	فصل چهارم: رجعت در میان گذشتگان و پیشینیان
۷۵	بخش دوم: رجعت بانوان
۷۶	فصل اول: رجعت بانوان
۸۱	فصل دوم: شرح حال برخی از بانوان رجعت کننده بر اساس تاریخ حیاتشان
۹۱	بخش سوم: رجعت حضرت زهرا(علیها السلام)
۱۲۰	فهرست منابع و مآخذ
۱۲۵	درباره مرکز

رجعت حضرت زهرا (علیها السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیگی کلشتری، جواد، 1362-

عنوان و نام پدیدآور: رجعت حضرت زهرا علیها السلام / مولف جواد بیگی کلشتری.

مشخصات نشر: اصفهان: نورالهیات، 1402.

مشخصات ظاهری: 122 ص.؛ 14/5 × 21/5 س م.

شابک: 7-66-5985-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. 118 - 122.

موضوع: رجعت

Raj'ah*

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11 ق.

Fatimah Zahra, The Saint: موضوع

موضوع: رجعت -- جنبه های قرآنی

Raj'ah -- Qur'anic teaching*

رده بندی کنگره: BP222/4

رده بندی دیویی: 297/44

شماره کتابشناسی ملی: 9507967

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

بخش اول: رجعت به چه معناست؟ . 7

فصل اول: رجعت چیست؟ 8

فصل دوم: رجعت از دیدگاه قرآن 9

فصل سوم: رجعت از دیدگاه روایات 51

فصل چهارم: رجعت در میان گذشتگان و پیشینیان 56

بخش دوم: رجعت بانوان .. 69

فصل اول: رجعت بانوان 70

فصل دوم: شرح حال برخی از بانوان رجعت کننده بر اساس تاریخ حیاتشان... 75

بخش سوم: رجعت حضرت زهرا (عليها السلام) .. 85

فهرست منابع و مآخذ 114

ص: 4

از آنجایی که تجلی حق و حقیقت در حکمت ازلی، پس از اظهار وجود باطل به دست طواغیت زمان خودنمایی کرده، و زمین را وارث گردیده و به ارث می برد، چنانچه باری تعالی وعده آنرا به رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) در آیات پنجم و ششم سوره قصص داده است، ظهور مطلق ولایت خود را به نمایش می گذارد. لذا ائمه اثنی عشر (علیه السلام) آن برهه از زمان را در توصیفات خود به بیان رجعت آل محمد (علیهم السلام) مسمی نموده و قلوب حق شناسان را به استقرار در ایمان راسخ تر و شاداب نموده اند.

و از آنجا که وجود مقدس امّ الأئمة النَّجباء حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مجری امانت ولایت الهیة و مظهر تام توحید حقیقی به ذات خویش و افاضه دهنده به ذوات مقدس اولاد طاهرینش (علیهم السلام)، در تجلی دنیویّه به حکمت ازلیّه بوده است، و از دیدگاهی حقیقت بین، مقصود اصلی ذات باری بوده، لذا وجود مطهره اش را در آیه دویست و شصت و یکم سوره بقره به حبه تمثیل

می نماید، که به فرموده پاره تنش حضرت امام به حقّ ناطق جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام): الْحَبَّةُ فَاطِمَةُ، الْحَدِيثُ (1)، در زمان رجعت وجود نابش را به لطف ازلی و ابدیش، در بین عالم ناسوت قرار داده، تا با الطاف الهیّه اش، آن حقیقت مکتوم ذاتی را برای ماسوی اللّٰه به عرصه ظهور کشیده و فیضان فیض فاطمیّه را به حدّ کمال برساند و همگان را از مصدر مطهّره اش صاحب فیض قرار دهد.

بدین ترتیب فاضل ارجمند و برادر گرامی جناب آقای جواد بیگی با اهتمامی این عقیده را در مقام تحقیق به قلم فرسائی خود بر خوانندگان این اوراق بروز داده تا علاوه با آشنایی اجمالی با عقیده حقّه رجعت در مقام درک آن نعمت عظیمه الهیّه برآیند و بدانند که ذات مقدّسه میمونه فاطمیّه از ارکان بلکه اصل اصیل زمان رجعت و حکومت حقّه تامّه حضرات معصومین (علیهم السلام) به مطلق معانی خود می باشند. به امید آنکه در درک آن زمان برآئیم و با وجود عنصری و روحانی آن تجلّی مقدّسه را به تماشا بنشینیم.

مهدی امامی شیرازی

8 جمادی الاولی

1445 ه.ق

ص: 6

بخش اول: رجعت به چه معناست؟

ص: 7

فصل اول: رجعت چیست؟

رجعت در لغت به معنای بازگشت و در اصطلاح عبارت است از بازگشت بعضی از مؤمنان خالص و برخی از منافقان فاجر به این جهان پیش از قیام قیامت است. برخی از مؤمنان خالص که در تمام عمر آرزوی درک دولت حقه را در دل می پروراندند باز می گردند تا به آرزوی خود برسند و حکومت عدالت گستر ولی الله اعظم (عج الله تعالی فرجه الشریف) را ببینند و برخی از منافقان فاجر که در تمام عمر تلاش می کردند که در مقابل حق باشند و در برابر آن صف آرای کنند تا به سزای اعمال خویش برسند. (1)

ص: 8

1- - رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی: محمد خادمی شیرازی، ویرایش علامه مهدی پور، ص 20.

فصل دوم: رجعت از دیدگاه قرآن

آیات زیادی از قرآن کریم توسط پیشوایان معصوم به عنوان آیات رجعت مطرح شده که از بررسی آن ها وقوع رجعت در میان پیشینیان و امکان آن در آینده به روشنی اثبات می شود. در مورد پیشینیان در فصل دیگری سخن خواهیم گفت. در این جا از آیاتی گفتگو می کنیم که در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به رجعت گروهی از مؤمنان و مشرکان خالص بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) الله تعالی فرجه الشریف) تفسیر شده است.

آیه اول: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (1)

«آنان که غیب را باور دارند.»

در تفسیر این آیه آمده است که غیب سه روز است:

ص: 9

1- - سوره بقره: آیه 3.

1- روز رجعت

2- روز قیامت

3- روز قیام قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) که این روزها روزهای آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. (1)

آیه دوم: وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ (2)

«و چون خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمت عطا کردیم و آنگاه پیامبری آمد که آنچه با شماست را تصدیق کرد البته به او ایمان آورید و یاری اش کنید.»

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» قَالَ: مَا بَعَثُ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى عِيسَى (عليه السلام) إِلَّا أَنْ يُرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيَنْصُرَ

ص: 10

1- الزام الناصب: ج 2، ص 340.

2- سورة آل عمران: آیه 81.

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ هُوَ قَوْلُهُ «لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ» يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ لَتَنْصُرَنَّهُ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) (1)

علی بن ابراهیم در تفسیرش از عبدالله بن مسدکان نقل می کند که حضرت صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه: «هنگامی که خدا از پیغمبران پیمان گرفت که این کتاب و حکمتی را که به شما دادم اگر پیغمبری به سویتان آمد و آنچه نزد شما است تصدیق کرد باید به وی ایمان آورید و یاریش کنید» فرمودند: از زمان حضرت آدم علی

نبینا و آله و سلم تا کنون خدا هیچ پیغمبری نفرستاد جز این که به دنیا بر می گردد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را یاری می کند و تأویل آیه چنین است که: «باید به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آورید و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را یاری کنید. این در زمان رجعت محقق خواهد شد انشاءالله. امام صادق (علیه السلام) از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل می کنند که فرمودند: این آیه تحقق نمی یابد مگر در رجعت.

ص: 11

1- - الايقاظ بالبرهان على الرجعة، ص 332 / بحار الانوار: ج 53، ص 50 / البرهان في تفسير القرآن: ج 1، ص 99 و ص 646 / تفسير الصافي: ج 1، ص 351 / تفسير القمي: ج 1، ص 251 و 106 / تفسير كنز الدقائق: ج 3، ص 150 / تفسير نور الثقلين: ج 1، ص 359 / مختصر البصائر: ص 150 / كليدواژه ي آيات مهدوي در قرآن كريم، ص 82 و 81 / كليدواژه ي آيات رجعت در قرآن كريم ص 86-87.

آیه سوم: وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ. (1)

«اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید رحمت و مغفرت خدا بهتر است از آنچه می توان گرد آورد.»

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ» فَقَالَ يَا جَابِرُ! أَتَدْرِي مَا سَبِيلُ اللَّهِ؟ قُلْتُ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا إِذَا سَجَعْتَ مَذَكَّ فَقَالَ: الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ عَلِيٍّ وَذُرِّيَّتِهِ فَمَنْ قَتَلَ فِيهِ وَوَلَايَتِهِ قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا الْإِيَّةُ إِلَّا وَ لَهُ قَتْلَةٌ (2)

امام باقر (علیه السلام) پیرامون این آیه از جابر پرسیدند:

ای جابر! آیا می دانی که معنای «سبیل الله» چیست؟

جابر گفت: نه به خدا سوگند جز این که از شما بشنوم. فرمودند سبیل الله راه علی و راه اولاد علی (علیه السلام) است. هر کس با ولایت او کشته شود در راه خدا کشته شده است. و هر کس با ولایت او بمیرد در راه خدا مرده است. هیچ

ص: 12

1- - سورة آل عمران: آیه 157.

2- - تفسیر عیاشی: ج 1، ص 202 / تفسیر برهان: ج 1، ص 706 / بحار: ج 53، ص 40 / تفسیر نورالثقلین: ج 1، ص 406 / معانی الاخبار: ص 167 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 91.

مؤمنی از این امت نیست جز این که برای او قتل و مرگی هست هر کدام از آنها کشته شود بار دیگر برمی گردد تا بمیرد (و هر کدام از آنها بمیرد برمی گردد تا کشته شود).

امام رضا(علیه السلام) می فرمایند: هر مؤمنی در بستر بمیرد در رجعت کشته می شود و هر مؤمنی کشته شود زمان رجعت در بستر خود می میرد.

آیه چهارم: اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (1)

«به یاد آورید نعمت های خدا را بر شما هنگامی که در میان شما پیامبرانی برانگیخت و شما را فرمانروا ساخت و آنچه را که به احدی از جهانیان نداده بود به شما عطا کرد.»

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدِّيَلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَل جَلَالَهُ: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا».

ص: 13

فَقَالَ: الْأَنْبِيَاءُ: رَسُولُ اللَّهِ (عليه السلام) وإبراهيمُ وإسماعيلُ وذُرِّيَّتُهُ وَالْمُلُوكُ: الْأُمَمُ (عليه السلام). قَالَ: فَقُلْتُ: وَ أَيْ مُلْكِي أَعْطَيْتُمْ قَالَ: مُلْكَ الْجَنَّةِ وَ مُلْكَ الْكَرَةِ (1)

محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش روایت می کند که گفت: از حضرت صادق (علیه السلام) تفسیر این آیه شریف را پرسیدم: «إِذْ جَعَلْنَا فِيكُمْ أَنْبِيَاءً وَ جَعَلْنَاكُمْ مَلُوكًا» یعنی: شما را پیامبران و پادشاهان قرار دادیم. حضرت فرمودند: مقصود از انبیاء پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ابراهیم علی

نبینا و آله و سلم و اسماعیل و ذریه ی اوست و منظور از پادشاهان ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشند، عرض کردم: خداوند چه سلطنتی به شما عطا می کند؟ فرمودند: سلطنت بهشت و سلطنت به هنگام رجعت.

آیه پنجم: وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (2)

«و از قوم موسی گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند و به حق و عدالت حکم می نمایند.»

ص: 14

-
- 1- - الزام الناصب: ج 2، ص 273 / الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة: ص 363 / بحار الأنوار: ج 53، ص 45 ح 18 / البرهان: ج 2، ص 266 / مختصر البصائر: ص 119 / کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 117 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 97-98.
 - 2- - سورة اعراف: آیه 159.

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام):

قَالَ: يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ (عليه السلام)

مِنْ ظَهْرِ الْكَوْفَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى (عليه السلام) الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، وَسَبْعَةً مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ، وَيُوشَعُ بْنُ نُونٍ، وَسَلْمَانَ، وَأَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ، وَالْمِقْدَادُ، وَمَالِكُ الْأَشْتَرِ، فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَحُكَّامًا. (1)

مفضل بن عمر از امام صادق (عليه السلام) روایت می کند که حضرت فرمودند: از پشت شهر کوفه بیست و هفت مرد همراه قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) بیرون می آیند پانزده تن آنان از قوم حضرت موسی (عليه السلام) می باشند که به حق هدایت کنند و بدان دادگری نمایند و هفت تن آنان اصحاب کهف هستند. و همچنین یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر می باشند. پس آنها از یاران و حکمرانان او هستند.

ص: 15

1- - الزام الناصب: ج 2، ص 234 و ص 285 / اعلام الوری باعلام الهدی: ص 464 / بحار الانوار: ج 53، ص 90، ح 95 / البرهان فی تفسیر القرآن: ج 2، ص 546 / تفسیر کنز الدقائق: ج 8، ص 43 / کشف الغمه فی معرفة الأئمة: ج 2، ص 466 / کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 151.

آیه ششم: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (1)

«او خداوندی است که پیامبرش را برای هدایت و دین حق فرستاده تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند اگر چه مشرکان دوست ندارند.»

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: این آیه در رجعت تحقق خواهد یافت.

آیه هفتم: بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (2)

«آنچه را که احاطه علمی به آن ندارند و هنوز تأویلش فرا نرسیده است تکذیب کردند. پیشینیان نیز چنان به تکذیب برخاستند بین عاقبت ستمکاران چگونه شد.» عن زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الْعِظَامِ مِنَ الرَّجْعَةِ وَأَشَدَّ بَاهِهَا فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الَّذِي تَسْأَلُونَ عَنْهُ لَمْ يَعْءِ أَوَانَهُ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ « بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ». (3)

ص: 16

1- - سورة توبه: آیه 33.

2- - سورة يونس: آیه 39.

3- - الايقاظ من الهجعة على الرجعة، ص 278 / بحار الانوار: ج 53، ص 40 / البرهان في تفسير القرآن: ج 3، ص 31 / مختصر البصائر: ص 108 / كليواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 181 / كليدواژه های آیات رجعت در قرآن کریم: ص 114-115.

از زراره روایت است که گفت: از حضرت صادق (علیه السلام) از رجعت و امثال این امور مهم سوال کردم حضرت فرمودند: این را که می پرسید هنوز وقتش نرسیده است. خداوند می فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ» یعنی: بلکه آنها آنچه را که با علم خود به آن احاطه نداشتند دروغ پنداشتند در صورتی که (دروغ نیست) هنوز (موقع) تأویل آن نرسیده است.

آیه هشتم: رَبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (1)

«بسیار دوست می دارند آنان که کافر شدند که ای کاش مسلمان بودند.» عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ. إِلَى أَنْ قَالُوا أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ جَلْ جَلَالَهُ: «رَبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ» قَالَ: هُوَ أَنَا إِذَا خَرَجْتَ أَنَا وَشِيعَتِي وَخَرَجَ عَثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ وَشِيعَتَهُ وَتَقْتُلُ بَنِي أُمَيَّةَ فَعِنْدَهَا «يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ» (2)

ص: 17

1-- سوره حجر: آیه 2.

2-- بحار الانوار / ج 52، ص 64 / البرهان فی تفسیر القرآن: ج 3، ص 331 / مختصر البصائر: ص 89 / کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم / ص 215 / مدینه معجز الاثمه الاثنی عشر: ج 3، ص 98 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 220.

امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل می کند که حضرت در تفسیر آیه «رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ» فرمودند: آن هنگامی است که من و شیعیانم خارج شویم عثمان لعنت الله علیه و پیروانش نیز خارج شوند و بنی امیه را از دم شمشیر بگذرانیم. آن روز کافران آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

آیه نهم: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (1)

«تا روز وقت معین تو از مهلت داده شده ها هستی.» عَنْ وَهَبِ بْنِ جُمَيْعٍ مَوْلَى أُسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ ابْلِيسَ «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي - إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» قَالَ لَهُ وَهَبُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! أَي يَوْمٍ هُوَ؟

قَالَ: يَا وَهَبُ! تَحَسَّبُ أَنَّهُ يَوْمَ يَبْعَثُ اللَّهُ النَّاسَ؟ إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمَنَا فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسَدٍ جِدَا الْكُوفَةِ وَ جَاءَ ابْلِيسَ حَتَّى يَخْشُو بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتِهِ، فَيَقُولُ: يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ! فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَةِ فَيَضْرِبُ عَ لَقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. (2)

ص: 18

1- - سورة حجر: آیه 38.

2- - اثبات الهداة: ج 5، ص 175 / بحار الانوار: ج 52، ص 276 و ج 60، ص 254 / البرهان: ج 3، ص 366 / تفسیر الصافی: ج 3، ص 113 / تفسیر العیاشی: ج 2، ص 242 / تفسیر کنز الدقائق: ج 7، ص 124 / تفسیر نور الثقلین: ج 3، ص 14 / کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 217.

وهب بن جمیع از بستگان اسحاق بن عمار گوید: پرسیدم از امام صادق (علیه السلام) از گفته ی ابلیس: «پروردگارا مهلتم ده تا روزی که مبعوث شوند فرمود: تو مهلت داری تا وقت معلوم»

وهب گفت: قربانت شوم! آن چه روزی است؟

حضرت فرمودند: ای وهب! آیا می پنداری که روز رستاخیز مردم است؟ بلکه خدایش مهلت داده تا روزی که قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) ما ظهور کند و چون قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) ما ظهور کند در مسجد کوفه باشد ابلیس آید و برایش زانو زد و گوید: ای وای بر من از این روز! و قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) موی جلوی سرش را بگیرد و گردنش را بزند و این روز وقت معلوم است.

آیه دهم: **إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (1)**

«معبود شما خداوند یگانه است اما کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند دل‌هایشان (حق را) انکار می کند و مستکبرند.»

عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ فِي قَوْلِهِ: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ» يَعْنِي إِنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ بِالرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ يَعْنِي أَنَّهَا كَافِرَةٌ (2)

ص: 19

1- - سورة نحل: آیه 22.

2- - الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة: ص 91 / بحار الانوار: ج 36، ص 104 / البرهان: ج 3، ص 411 / تفسير القمي: ج 1، ص 383 / تفسير كنز الدقائق: ج 7، ص 195 / تفسير نور الثقلين: ج 3، ص 47 / كليدواژه ی آیات مهدوی در قرآن: ص 226 / كليدواژه ی آیات رجعت در قرآن كريم: ص 126-127.

ابوحمزه ثمالی از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده که حضرت درباره ی قول خداوند «آنان که به آخرت ایمان نیاورند دلهاشان به انکار خو گرفته و متکبرند» فرمودند: یعنی آنان که به رجعت ایمان ندارند دلهاشان به انکار خو گرفته و کافرند.

آیه یازدهم: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (1)

«هر نفسی طعم مرگ را خواهد چشید.» عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: كَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجْعَةِ... قَالَ فَقُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» أَفَرَأَيْتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ يَذُقِ الْمَوْتَ فَقَالَ: فَقَالَ: لَيْسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ. (2)

ص: 20

1- - سورة آل عمران: آیه 185.

2- - الايقاظ من الهجعة على الرجعة: ص 272، ح 10 / بحار الانوار: ج 53، ص 66، ح 58 / البرهان في تفسير القرآن: ج 1، ص 705، ح 1961 و ج 2 ص 856، ح 4756 / تفسير العياشي: ج 1، ص 202، ح 160 / تفسير نورالثقلين: ج 1، ص 403، ح 406 / مختصر البصائر: ص 93، ح 61 / كليدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 93.

از زراره نقل است که گفت: دوست نداشتم آشکارا از حضرت امام محمدباقر (علیه السلام) درباره ی رجعت سؤال کنم تا اینکه...

عرض کردم: همانا خداوند عزوجل می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» آیا می فرمائید: کسی که کشته می شود مرگ را نمی چشد؟

حضرت فرمودند: کسی که با شمشیر در راه خدا کشته می شود با آن کسی که در بسترش جان می دهد یکسان نیستند کسی که کشته می شود به ناچار می باید به دنیا برگردد (و مجدداً زندگی کند و بعد بمیرد) تا مزه ی مرگ را بچشد.

آیه دوازدهم: وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ. (1)

«و هر کس که ستم کرده اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختیار داشته باشد و بخواهد همه آن را فدا کند از او پذیرفته نخواهد شد و چون عذاب را مشاهده کنند پشیمانی خود را نهان می دارند و میان آنها به عدالت حکم می شود و ستمی به آنان نخواهد شد.»

ص: 21

فی تفسیر القمی فی قوله تعالی: « وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ » آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حَقَّهُمْ « مَا فِي الْأَرْضِ لَأَفْتَدَتْ » فی ذَلِكَ الْوَقْتِ یعنی الرجعة. (1)

در تفسیر قمی درباره ی آیه ی: « وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَأَفْتَدَتْ بِهِ » می فرماید: هر کس ظلمی به آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نموده باشد حاضر است تمام آنچه را که در روی زمین است اگر مالک باشد همه را بدهد تا از کیفر روز رجعت نجات یابد.

آیه سیزدهم: فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. (2)

«و سرانجام بدیهای اعمالشان به آنها رسید و آنچه را (از وعده های عذاب) استهزاء می کردند به آنان وارد شد.»

روی علی بن ابراهیم فی قوله تعالی: « فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ » قال: انّ المراد العذاب فی الرجعة. (3)

ص: 22

1- - الزام الناصب: ج 2: ص 286 / الايقاظ: ص 252 / بحار الانوار: ج 53، ص 51، ح 26 / البرهان: ج 3، ص 34، ح 4911 / تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب ج 6، ص 66 / تفسیر القمی: ج 1، ص 313 / تفسیر نور الثقلین: ج 2، ص 306 / ح 76 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 116-117.

2- - سورة نحل: آیه 34.

3- - الايقاظ: ص 91، ح 40 / البرهان: ج 3، ص 419 / تفسیر القمی: ج 1، ص 385 / تفسیر کنزالدقائق: ج 7، ص 206 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 128.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه «و عذابى که مسخره اش می کردند دامنگیرشان شد» روایت می کند که: مراد از عذابى که مسخره می کردند عذاب در رجعت است.

آیه چهاردهم: وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا. (1)

«هر کس در این سرای نابینا باشد در آن سرای نیز نابینا و گمراه تر است.»

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: « وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا » قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ. از ابوبصیر نقل است که گفت حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) و یا حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) درباره فرمایش خداوند عزوجل «کسی که در این جهان از دیدن چهره حق نابیناست در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است.» فرمودند: این مربوط به رجعت است. (2)

ص: 23

1- - سوره اسراء: آیه 72.

2- - الايقاظ: ص 274، ح 81 / بحار الانوار: ج 53، ص 67، ح 61 / البرهان: ج 3، ص 560 / تفسير العياشي: ج 2، ص 306 / مختصر البصائر: ص 96، کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم، ص 143 / کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 242.

آیه پانزدهم: وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا. (1)

«و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن که او در وعده هایش صادق و رسول و پیامبری (بزرگ) بود.»

عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ: «وَأَذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» أَمَا كَانَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ؟

فَقَالَ (عليه السلام) إِنَّ إِسْمَاعِيلَ مَاتَ قَبْلَ إِبْرَاهِيمَ وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ حُجَّةً لِلَّهِ كُلِّهَا [فَأَيَّمَا] صَاحِبَ شَرِيعَةٍ فَالِي مَنْ أُرْسِلَ إِسْمَاعِيلُ إِذَنْ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَنْ كَانَ؟ قَالَ (عليه السلام) ذَلِكَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ حَزْقِيلَ النَّبِيِّ (عليه السلام) بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى قَوْمِهِ فَكَذَّبُوهُ فَقَتَلُوهُ وَسَلَّخُوا وَجْهَهُ فَغَضِبَ اللَّهُ لَهُ عَلَيْهِمْ فَوَجَّهَ إِلَيْهِ أَسَاطِئِيلَ مَلَكَ الْعَذَابِ فَقَالَ لَهُ: يَا إِسْمَاعِيلُ أَنَا أَسَاطِئِيلُ مَلَكَ الْعَذَابِ وَجَهَنِي إِلَيْكَ رَبُّ الْعِزَّةِ لِأَعَذَّبَ قَوْمَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِنْ شِئْتَ.

فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ لَا حَاجَةَ لِي فِي ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ فَمَا حَاجَتُكَ يَا إِسْمَاعِيلُ فَقَالَ: يَا رَبِّ! إِنَّكَ أَحَدْتَ الْمِيثَاقَ لِنَفْسِكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَلِمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ وَالْأَوْصِيَاءِ

ص: 24

بِالْوَلَايَةِ وَ أُخْبِرَتْ خَيْرَ خَلْقِكَ بِمَا تَفْعَلُ أُمَّتُهُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِنْ بَعْدِ نَبِيِّهَا وَإِنَّكَ وَعَدْتَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) أَنْ تَكْرَهُ إِلَيَّ الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَقِمَ بِنَفْسِهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ فَحَاجَتِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ! أَنْ تَكْرُنِي إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى أَنْتَقِمَ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِي كَمَا تَكْرَهُ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) فَوَعَدَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ بْنَ حَرْقِيلَ ذَلِكَ فَهُوَ يَكْرَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام). (1)

از برید بن معاویه العجلی نقل است که گفت: خدمت امام جعفر صادق (عليه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا مرا از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» خبر دهید آیا مقصود اسماعیل بن ابراهیم (عليه السلام) است. همان طور که مردم این گونه می پندارند که او اسماعیل بن ابراهیم (عليه السلام) می باشد.

حضرت فرمودند: اسماعیل (عليه السلام) قبل از حضرت ابراهیم (عليه السلام) از دنیا رفت و جناب ابراهیم (عليه السلام) حجت قائم حق تعالی و صاحب شریعت بود و با این حال اسماعیل با چنین موقعیتی به جانب چه کسانی می توانست مبعوث شده باشد؟ راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: پس اسماعیل در آیه ی مذکور چه کسی است؟

ص: 25

1- - الایقاظ: ص 328، ح 42 / بحار: ج 13، ص 390، ح 6 / البرهان: ج 3، ص 720 / کامل الزیارات: ص 65 / مختصر البصائر: ص 421 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 151-150 / کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 248.

حضرت فرمودند: او اسماعیل پسر حزقیل پیامبر می باشد که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود و آنها وی را تکذیب کرده و کشتند و سپس پوست صورتش را کردند. پس خداوند به ایشان غضب نمود و اسطاطایل را که فرشته ی عذاب است بر او نازل کرد. فرشته عرضه داشت: ای اسماعیل! من اسطاطایل فرشته ی عذاب هستم. پروردگار متعال مرا نزد تو فرستاده تا قوم تو را به انواع عذاب ها عذاب نمایم و در صورتی که بخواهی ایشان را به بلاها و گرفتاری ها مبتلا سازم. اسماعیل به او فرمود: به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

پس حق تعالی وحی فرستاد ای اسماعیل حاجت تو چیست؟ عرض کرد: پروردگارا از بندگان عهد و میثاق گرفتی که تو را رب و پروردگار دانسته و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را پیامبر و اوصیاء کرامش را ولی بدانند و به بهترین مخلوقات خبر دادی که امتش با حسین بن علی (علیه السلام) بعد از پیامبرشان چه خواهند کرد و به حسین (علیه السلام) وعده دادی که به دنیا رجعت می کند تا خودش از آن قوم جفاکار انتقام بگیرد.

پس حاجت من به تو پروردگارم! آن است که مرا نیز (در زمان رجعت) به دنیا برگردانی تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم. همان طور که حسین (علیه السلام) را به

دنیا باز می گردانی. پس حق تعالی به اسماعیل بن حزقیل وعده داد که او را با حضرت حسین بن علی (علیه السلام) به دنیا برگرداند.

آیه شانزدهم: وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. (1)

«هر کس از یاد من روی گردان شود زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم.» عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» قَالَ: هِيَ وَاللَّهِ النَّصَابُ قَالَ: جَعَلْتُ فِدَاكَ قَدْرَ إِيْتَاهُمْ دَهْرَهُمْ الْأَطُولُ فِي كَفَايَةٍ فِي مَا تَوَاتُوا قَالَ: ذَلِكَ وَاللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ يَأْكُلُونَ الْعُدْزَةَ. (2)

از معاویه بن عمار نقل است که گفت: به حضرت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: معنی زندگی تنگ در آیه ی: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»

ص: 27

1- - سوره طه: آیه 124.

2- - الزام الناصب: ج 2، ص 288 / الايقاظ: ص 255 / بحار: ج 53، ص 51 / البرهان: ج 3، ص 785 / تفسير الصافي: ج 3، ص 325 / تفسير القمي: ج 2، ص 65 / مختصر البصائر: ص 61، کلیدواژه آیات مهدوی در قرآن کریم، ص 258 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 153-154 / تفسير نور الثقلين: ج 3، ص 405.

هر کس از ذکر ما روی بگرداند زندگی تنگی برای او خواهد بود چیست؟ حضرت فرمودند: به خدا قسم این آیه درباره ی نواصب (و دشمنان ما) است.

عرض کردم: قربانت کردم ما که آنها را همواره در ناز و نعمت دیده و می بینیم و بدین گونه هم می میرند.

حضرت فرمودند: به خدا قسم این در هنگام رجعت خواهد بود که در آن زمان آنها نجاست می خورند.

آیه هفدهم: وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ. (1)

«و حرام است به شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند) آنها هرگز باز نخواهند گشت.»

قال الصادق (عليه السلام): كُلُّ قَرْيَةٍ أَهْلَكَ اللَّهُ أَهْلِهَا بِالْعَذَابِ لَا يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ وَ أَمَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَرْجِعُونَ الَّذِينَ مَحْضُونَ وَالْإِيمَانَ مَحْضًا وَ غَيْرَهُمْ مِمَّنْ لَمْ يَهْلِكُوا بِالْعَذَابِ وَ مَحْفُوفًا بِالْكَفْرِ مَحْضًا يَرْجِعُونَ. (2)

ص: 28

1- - سورة انبياء: آیه 95.

2- - الزام الناصب: ج 2، ص 288 / الايقاظ: ص 247 / بحار: ج 53، ص 52 / البرهان: ج 1، ص 91 / تفسير القمي: ج 1، ص 25 /
کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 1560 / کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 266.

امام جعفر صادق(علیه السلام) فرمودند: هر شهری که خداوند اهلش را به عذاب هلاک کرده است در رجعت بر نمی گردند اما در قیامت برمی گردند و در رجعت مومن خالص و کافر خالص و آنان که به عذاب خدا نمرده اند برمی گردند.

آیه هجدهم: حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ. (1) «تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم (و چنان گرفتار می شوند که) ناگهان به کلی مأیوس گردند.»

عن جابر بن یزید عن ابی جعفر(علیه السلام) فی قوله: «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ» هو علی بن ابیطالب(علیه السلام) إِذَا أَرْجَعَ فِي الرُّجْعَةِ. (2)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر(علیه السلام) درباره ی فرمایش خداوند متعال «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ» فرمودند: او علی بن ابیطالب(علیه السلام) است هنگامی که در زمان رجعت برمی گردد.

ص: 29

1- - سوره مؤمنون: آیه 77.

2- - بحار: ج 53، ص 64 / البرهان: ج 1، ص 721 / مختصر البصائر: ص 88 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 160 / کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 180.

آیه نوزدهم: وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ. (1)

«آن روز از هر امتی جمعی را که منکر آیات ما بودند محشور می سازیم و آنها بازداشته می شوند.» عَنْ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» قَالَ: لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَتَلَ إِلَّا يَرْجِعُ حَتَّى يَمُوتَ وَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مِنْ مَحْضِ الْإِيمَانِ مَحْضًا وَمَنْ مَحْضِ الْكُفْرِ مَحْضًا. (2)

از مفصل نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) درباره فرمایش خدای متعالی «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» فرمودند: هر کدام از مؤمنین که کشته شده باشد در زمان رجعت برمی گردد تا به مرگ عادی و طبیعی بمیرد و رجعت مختص مؤمن محض یا کافر محض است.

آیه بیستم: إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ (3)

ص: 30

1- - سوره نمل: آیه 83.

2- - الايقاظ: ص 258 / بحار: ج 53، ص 53 / البرهان: ج 4، ص 238 / تفسيرالصابي: ج 4، ص 76 / تفسيرالقمي: ج 2، ص 131 /
کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 167.

3- - سوره قصص: آیه 85.

«آن کسی که قرآن را بر تو فرض کرد تو را به جایگاهت بازمی گرداند.»

عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاْبُلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ» قَالَ، يَرْجِعُ فِيهِ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ الْأَئِمَّةَ (عليهم السلام). (1)

از ابو خالد کابلی نقل است که گفت: حضرت امام سجاد (علیه السلام) درباره ی فرمایش خداوند عزوجل «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ» فرمودند: اشاره به زمانی است که پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (عليه السلام) و ائمه (عليهم السلام) در آن برمی گردند.

آیه بیست و یکم: وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. (2)

«به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم شاید بازگردند.»

ص: 31

1- - الایقاظ: ص 343، البرهان: ج 4، ص 291 / تفسیرالصادق: ج 4، ص 107 / تفسیرالقمی: ج 2، ص 147 / تفسیر نورالثقلین: ج 4، ص 144 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 172 / کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 316.

2- - سوره سجده: آیه 21.

فی تفسیر القمی فی قوله تعالی: «وَلَنَذِیْقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ» قَالَ: الْعَذَابُ الْأَذْنَىٰ عَذَابُ الرَّجْعَةِ بِالسَّیْفِ وَمَعْنَى قَوْلِهِ: «لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ» أَى یَرْجِعُونَ فِی الرَّجْعَةِ حَتَّى یَعْدَبُوا. (1)

در تفسیر قمی درباره فرمایش خداوند متعال: «وَلَنَذِیْقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ» می فرماید: عذاب نزدیک عذاب رجعت با شمشیر است و منظور از «لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ» یعنی در رجعت برمی گردند تا عذاب شوند.

آیه بیست و دوم: قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ. (2)

آنها می گویند پروردگارا ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی اکنون به گناهان خود معترفیم آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟

ص: 32

-
- 1- - الزام الناصب: ج 2، ص 290 / بحار: ج 53، ص 56 / تفسیر الصافی: ج 4، ص 158 / تفسیر القمی: ج 2، ص 170 / تفسیر نورالثقلین: ج 4، ص 231 / تفسیر کنزالدقائق: ج 10، ص 303 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 175.
- 2- - سوره غافر: آیه 11.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «رَبَّنَا أَمَتَنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ» قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) ذَلِكَ فِي الرُّجْعَةِ. (1)

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «رَبَّنَا أَمَتَنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ» یعنی «خداوندا ما را دو مرتبه میرانیدی و دو مرتبه زنده کردی» حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: این آیه درباره رجعت است.

آیه بیست و سوم: إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ. (2)

«ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و (آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم!»

عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» قَالَ ذَلِكَ وَاللَّهُ فِي الرُّجْعَةِ

ص: 33

1- - الايقاظ: ص 258 / بحار: ج 53، ص 56 / البرهان: ج 4، ص 749 / تفسيرالصادق: ج 4، ص 336 / تفسيرالقمي: ج 2، ص 256 / تفسير كنزالدقائق: ج 11، ص 365 / تفسير نورالثقلين: ج 4، ص 513 / مختصرالبصائر: ص 157 / كليلد واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 362.

2- - سورة غافر: آیه 51.

إِمَّا عَمِلْتُمْ إِن أَنْبِيَاءَ كَثِيرَةً لَمْ يَنْصِرُوا فِي الدُّنْيَا وَقَتَلُوا وَالْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَلَمْ يَنْصُرُوا وَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ. (1)

از جمیل نقل است که گفت: از حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره ی فرمایش خدای متعال: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» پرسیدم حضرت فرمودند: به خدای قسم این در رجعت است. مگر نمی دانی که بسیاری از پیامبران در دنیا یاری نشدند بلکه کشته شدند و ائمه (علیهم السلام) هم کشته شدند و کسی آنها را یاری نکرد پس این نصرت و یاری در زمان رجعت است.

آیه بیست و چهارم: وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ. (2)

«و ستمگران را خواهی دید که عذاب را با چشم به یقین مشاهده کنند می گویند آیا برای ما راه بازگشتی وجود دارد.»

ص: 34

1- - بحار الانوار: ج 11، ص 27 / البرهان: ج 4، ص 764 / تفسیر الصافی: ج 4، ص 345 / تفسیر القمی: ج 2، ص 258 / تفسیر نورالثقلین: ج 4، ص 526 / مختصر البصائر: ص 92 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 291 / کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 363.

2- - سوره شوری: آیه 44.

فِي نَفْسِي بِرِالْقَمِي فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَتَرَى الظَّالِمِينَ» آل مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله وسلم) حَقَّهُمْ «لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ» وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) هُوَ الْعَذَابُ فِي الرَّجْعَةِ «يَقُولُونَ هَلْ أَلِيٌّ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ» فَتَوَالِي عَلِيًّا (عليه السلام). (1)

علی بن ابراهیم قمی درباره ی فرمایش خدای متعال «وَتَرَى الظَّالِمِينَ» گفت: و ستمگران در حق آل محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) را می بینی که علی بن ابیطالب (عليه السلام) را که برای ستمکاران عذاب است در زمان رجعت ببیند (چون آن حضرت می خواهند از آنان انتقام بگیرند) می گویند: آیا راهی برای بازگشت است؟ تا ولایت حضرت علی (عليه السلام) را بپذیریم.

آیه بیست و پنجم: وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا. (2)

«ما انسان را به احسان و نیکی در حق پدر و مادرش سفارش بسیار کردیم. مادرش با رنج و زحمت بار حمل کشید و با درد و رنج وضع حمل نمود.» «فِي تَفْسِيرِ الْقَمِي فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ» إِنَّمَا عَنِيَ الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ 8 ثُمَّ عَطَفَ عَلَيَّ الْحَسَنُ (عليه السلام) فَقَالَ: «حَمَلَةُ أُمِّهِ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا» وَ

ص: 35

1-- - الايقاظ: ص 258 / بحار: ج 31، ص 580 / البرهان: ج 4، ص 830 / تفسيرالصفای: ج 4، ص 380 / تفسيرالقمی: ج 2، ص 278

/ تفسير كنزالدقائق: ج 11، ص 535 / كليلد واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 195.

2-- - سوره احقاف: آیه 15.

ذَلِكَ إِنْ اللَّهُ أَخْبَرَ رَسُولَ اللَّهِ وَبَشَّرَهُ بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَبْلَ حُمْلِهِ وَ أَنَّ الْأَمَامَةَ يَكُونُ فِي وَوَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ أَخْبِرَهُ بِمَا يَصْبُ بِهِ مِنَ الْقَتْلِ وَالْمِصِيبَةِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ ثُمَّ عَوِضَهُ بِأَنَّ جَعَلَ الْأَمَامَةَ فِي عَقِبِهِ وَاعْلَمَهُ أَنَّهُ يَقْتُلُ ثُمَّ يَرُدُّهُ إِلَى الدُّنْيَا وَيُنصِرُهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَعْدَاءَهُ. (1)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه ی «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ» می فرماید منظور از والدین امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) هستند. آنگاه درباره ی امام حسین (علیه السلام) فرموده «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا» زیرا خدای علیم قبل از انعقاد نطفه ی امام حسین (علیه السلام) رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) خود را به وجود امام حسین (علیه السلام) و اینکه مقام امامت تا روز قیامت نصیب فرزندان وی خواهد شد بشارت و مژده داده بود. آنگاه آن حضرت را از آن مصائبی که دچار امام حسین (علیه السلام) و فرزندان او می شود آگاه نموده بود. پس مقام امامت را در عوض آن مصائب به فرزندان او خواهد داد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خود را خبر داده بود که امام حسین (علیه السلام) کشته خواهد شد. پس خداوند او را به دنیا باز می گرداند و وی را یاری می کند تا دشمنان خود را به مجازات برساند.

ص: 36

1- - الايقاظ: ص 345 / بحار: ج 43، ص 246 / تفسیرالقمی: ج 2، ص 297 / تفسیر نورالثقلین: ج 5، ص 11 / تفسیر کنزالدقائق: ج 12، ص 179 / مختصرالبصائر: ص 159 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 199-200.

آیه بیست و ششم: **يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَتُونَ**. (1)

«همان روزی است که آنها را به آتش می سوزانند.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَتُونَ» قَالَ: يَكْسِرُونَ فِي الْكِرَةِ كَمَا يَكْسِرُ الذَّهَبَ حَتَّى يُرْجَعَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى شَبْهَةِ يَعْنِي إِلَى حَقِيقَةِ. (2)

حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام) درباره ی فرمایش خداوند عزوجل «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَتُونَ» فرمودند: یعنی روزی که آنها بر آتش امتحان می شوند فرمودند: مقصود اینست که در رجعت شکسته می شوند همان گونه که طلا شکسته می شود تا هر چیزی به حقیقت خود بازگردد.

آیه بیست و هفتم: **وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**. (3)

«و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان) ولی بیشترشان نمی دانند.»

ص: 37

1- - سوره ذاریات: آیه 13.

2- - الزام الناصب: ج 2، ص 293 / بحار: ج 53، ص 44 / البرهان: ج 5، ص 159 / مختصرالبصائر: ص 117 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 204.

3- - سوره طور: آیه 47.

عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نَزَلَ جِبْرَائِيلُ بِهَذِهِ الْآيَةِ هَكَذَا: قَالَ لِلظَّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ «عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» يَعْنِي عَذَابًا فِي الرَّجْعَةِ. (1)

از سعید بن عبدالله نقل است که گفت: حضرت امام محمدباقر (علیه السلام) فرمودند: جبرئیل این آیه را چنین نازل کرد: آنها که حق آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را گرفتند عذابی غیر از این دارند و این عذاب در رجعت است.

آیه بیست و هشتم: مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ. (2) «در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) به سوی این دعوت کننده گردن می کشند کافران می گویند امروز روز سخت و دردناکی است.»

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ» إِذَا رَجَعَ فَيَقُولُ إِزْجَعُوا «يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ». (3)

ص: 38

1- - الایقاظ: ص 298 / بحار: ج 53: ص 117 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 206 / الزام الناصب: ج 3، ص 293 / البرهان: ج 5، ص 71 / تفسیر القمی: ج 4، ص 333 / تفسیر نور الثقلین: ج 5، ص 142 / کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 401.

2- - سوره قمر: آیه 8.

3- - الایقاظ: ص 261 / البرهان: ج 5، ص 218 / تفسیر الصافی: ج 5، ص 100 / تفسیر القمی: ج 2، ص 341 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 210.

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه (شتابان به سوی دعوت کننده گردن می کشند) می فرمایند: هنگامی که در رجعت به آنان می گویند برگردید و کافران می گویند: این روز سخت و دشواری است.

آیه بیست و نهم: سَنَسِئُهُ عَلٰی الْخُرْطُومِ. (1)

« ما به زودی به بینی او علامت و داغ ننگ می نهیم. »

عَنْ عَلِي بْنِ اِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى «سَنَسِئُهُ عَلٰی الْخُرْطُومِ» قَالَ فِي الرَّجْعَةِ اِذَا اِزْجَعَ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَرْجَعُ اَعْدَاؤُهُ فِيهِمْ بِمَسِّ يَمِّ مَعَهُ كَمَا تَوَسَّمَ الْبَهَائِمُ عَلٰی الْخِرَاطِيمِ الْاَنْفِ وَالشَّفْمَتَانِ. (2) در تفسیر قمی روایت است که: این آیه مربوط به رجعت است هنگامی که شاه ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رجعت کنند و دشمنان آن حضرت نیز برگردند. آن حضرت بر پیشانی آنها مهر می زند همان گونه که بر بینی و لبهای چهارپایان داغ می زند تا نشاندار شوند.

ص: 39

1- - سورة قلم: آیه 16.

2- - الزام الناصب: ج 2، ص 293 / الايقاظ: ص 346 / بحار: ج 30، ص 166 و ج 53، ص 103 / البرهان: ج 5، ص 459 / تفسیرالصفافی: ج 5، ص 210 / تفسیرالقمی: ج 2، ص 381 / تفسیر نورالثقلین: ج 5، ص 394 / تفسیر کنزالدقائق: ج 13، ص 384 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 313 / کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 427.

آیه سی ام: تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَاؤُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (1)

«فرشتگان و روح به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّهُ قَالَ: حِينَ سُئِلَ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى مِقْدَارَهُ فِي الْقُرْآنِ «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَاؤُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» وَ هِيَ كَرِهَ رَسُولُ اللَّهِ فَيَكُونُ مَلِكُهُ فِي كَرِيهِ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ وَ يَمْلِكُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي كَرِيهِ أَرْبَعًا وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (2) از حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام) روایت است که وقتی تفسیر آیه «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَاؤُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» را از آن حضرت پرسیدند، حضرت فرمودند: این در موقع بازگشت و رجعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دنیا است که مدت سلطنتش پنجاه هزار سال خواهد بود و امیرالمؤمنین (عليه السلام) نیز چهل و چهار هزار سال سلطنت می کنند.

ص: 40

1- - - سورة معارج: آیه 4.

2- - الزام الناصب: ج 2، ص 294 / الايقاظ، ص 368 / بحار: ج 53، ص 104 / البرهان: ج 5، ص 487 / مختصر البصائر: ص 167 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم، ص 214 / کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 432.

آیه سی و یکم: عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبِهِ أَحَدًا. (1)

«عالم بر غیب تنها اوست و هیچ دانایی بر غیب او آگاه نیست.»

فِي تَفْسِيرِ الْقَمِي فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ... وَقَوْلُهُ «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبِهِ أَحَدًا» «إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسِّرُ لَكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ رَصَدًا» قَالَ: يَخْبِرُ اللَّهُ رَسُولَهُ الَّذِي يَرْتَضِيهِ بِمَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ وَمَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ الْقَائِمِ (عليه السلام) وَالرَّجْعَةَ وَالْقِيَامَةَ. (2) علی بن ابراهیم در تفسیر آیه ی: دانای غیب است و احدی را بر غیب خویش آشکار نکند جز آن پیامبری را که مورد رضایت بود حوادث زمان خود و حوادث آینده راجع به حضرت قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) و رجعت و قیامت را به آن جناب خبر داد.

آیه سی و دوم: يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ. (3)

ص: 41

1- - سورة جن: آیه 26.

2- - الزام الناصب: ج 2، ص 294 / الايقاظ: ص 262 / بحار: ج 53، ص 28 / البرهان: ج 5، ص 512 / تفسیرالصادق: ج 5، ص 238 / تفسیرالقمی: ج 2، ص 391 / تفسیر کنزالدقائق: ج 13، ص 493 / تفسیر نورالثقلین: ج 5، ص 445 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 217 / کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 438.

3- - سورة مدثر: آیات 1 و 2.

«ای جامه به خود پیچیده! برخیز و انداز کن. (و عالمیان را بیم ده)»

فِي تَفْسِيرِ الْقَمِي فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «قُمْ فَأَنْذِرْ» قَالَ: هُوَ قِيَامَةٌ فِي الرَّجْعَةِ لِيَنْذُرَ فِيهَا

وَفِي قَوْلِهِ «إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكَبِيرِ» «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» يَعْنِي مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ فِي الرَّجْعَةِ. (1)

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه «ای جامه به خود پیچیده برخیز و بترسان» فرمود: مقصود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آمدن آن حضرت در زمان رجعت است که مردم را از نافرمانی خدا بر حذر می دارند و نیز در قول خداوند «إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكَبِيرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» مقصود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند که در رجعت به دنیا بازگشته بشر را از معصیت خدا بر حذر می دارند.

آیه سی و سوم: يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا. (2)

«روزی که در (صور) دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آید.»

ص: 42

1- - الزام الناصب: ج 2، ص 294 / الايقاظ: ص 357 / بحار: ج 9، ص 244 و ج 16، ص 97 و ج 52، ص 42 / البرهان: ج 5، ص 721 / تفسیر القمی: ج 2، ص 393 / تفسیر کنز الدقائق: ج 14، ص 13 / تفسیر نور الثقلین: ج 5، ص 425 / مختصر البصائر: ص 88 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 271.

2- - سوره نبا: آیه 18.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) سُئِلَ عَنِ الرَّجْعَةِ أَحَقُّ هِيَ؟ قَالَ: نَعَمْ: فَقِيلَ لَهُ: مَنْ أَوْلَ مِنْ يَخْرُجُ؟ قَالَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) يَخْرُجُ عَلَيَّ أَثَرُ الْقَائِمِ (عليه السلام) قِيلَ: وَمَعَهُ النَّاسُ كُلُّهُمْ؟ قَالَ: لَا بَلَّ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» قَوْمًا بَعْدَ قَوْمٍ. (1)

از حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام) سوال شد: آیا رجعت حق است؟ حضرت فرمودند: آری. عرض شد: اول کسی که بیرون می آید کیست؟ حضرت فرمودند: حضرت حسین بن علی (عليه السلام) است که پس از قیام حضرت قائم (عليه السلام) خارج می شود. گفته شد مردم هم همراه ایشان هستند؟ فرمودند خیر چنانکه خداوند می فرماید: دسته دسته بیایند به ترتیب خواهند آمد قومی پس از قوم دیگر.

آیه سی و چهارم: فَمَهْلِكِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُؤْيَا. (2)

«حال که چنین است کافران را (فقط) اندک مهلت ده.»

ص: 43

-
- 1- - الزام الناصب: ج 2، ص 294 / الايقاظ: ص 367 / بحار: ج 53، ص 103 / مختصرالبصائر: ص 165 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 221 / الوافی: ج 2، ص 467 / کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم: ص 449.
- 2- - سوره طارق: آیه 17.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أُمَّهَلُهُمْ رُؤْيَدًا» لَوَقْتُ بُعْثَ الْقَائِمِ (عليه السلام) فَيَنْتَقِمَ لِي مَنْ الْجَبَارِينَ وَالْعَوَاقِبَ مِنْ قُرَيْشٍ وَبَنِي أُمَيَّةَ وَسَائِرِ النَّاسِ. (1)

از ابوبصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) درباره ی فرمایش خدای متعال در «فَمَهْلِ

الْكَافِرِينَ أُمَّهَلُهُمْ رُؤْيَدًا» فرمودند: من نیز با آنها مقابله به مثل می کنم ایشان را مهلت بده تا وقت ظهور حضرت قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) خداوند ستمکاران و طغیانگران قریش و بنی امیه و دیگران را برای او زنده می کند تا از آنها انتقام گیرد.

آیه سی و پنجم: فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا. (2)

ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند) از این رو پروردگارش آنها (و سرزمینشان) را به خاطر گناهانشان درهم کوبید و با خاک یکسان کرد.

ص: 44

1- - الایقاظ: ص 262 / بحار: ج 23، ص 368، ج 51، ص 49 و ج 52، ص 58 / البرهان: ج 5، ص 632 / تفسیر القمی: ج 2، ص

416 / تفسیر کنز الدقائق: ج 14، ص 230 / تفسیر نور الثقلین: ج 5، ص 552 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 232.

2- - سوره الشمس: آیه 14.

عَنْ الْفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا» قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ «وَلَا يَخَافُ عُقَابَهَا» قَالَ: لَا يَخَافُ مِنْ مِثْلِهَا إِذَا رَجَعَ. (1)

از فضل بن عباس نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه پروردگارشان به سزای گناهانشان هلاکشان کرد و دیارشان را هموار کرد» فرمودند: این در رجعت است و بعد که می فرماید: «و از عاقبت آن بیم ندارد» یعنی اگر مانند آن (در رجعت) تکرار شود نمی ترسد.

آیه سی و ششم: «وَلَا خَيْرَ لَكَ مِنَ الْأُولَى». (2)

«و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است.»

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ «وَلَا خَيْرَ لَكَ مِنَ الْأُولَى» قَالَ: يَعْنِي الْكُرَّةَ هِيَ الْآخِرَةُ لِلنَّبِيِّ قُلْتُ: قَوْلُهُ «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» قَالَ: يَعْطِيكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَرْضَى. (3)

ص: 45

1- الزام الناصب: ج 1، ص 102، الايقاظ: ص 299، بحار: ج 24، ص 73 و ج 53، ص 120 / البرهان: ج 5، ص 672 / تأويل الآيات الظاهرة: ص 777 / كليدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 233.

2- سورة الضحى: آیه 4.

3- بحار: ج 53، ص 59 / البرهان: ج 5، ص 682 / تفسير القمي: ج 2، ص 427 / تفسير كنز الدقائق: ج 14، ص 311 / مختصر البصائر: ص 164 / كليدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 234.

از ابوبصیر نقل است که گفت: حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره ی آیه: «وَلَا خَيْرَ خَيْرٍ لَكَ مِنَ الْآوَلَى» فرمودند: یعنی ای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)! رجعت برای تو از دنیا بهتر است. عرض کردم: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» یعنی چه؟ فرمودند: خداوند به زودی بهشت را به تو می دهد تا خشنود گردی.

آیه سی و هفتم: كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ. (1) «چنین نیست که می پندارند. (آری) به زودی خواهید دانست باز چنان نیست که شما می پندارید. به زودی خواهید دانست.»

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَجِيْعٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَوْلَهُ عَزَّوَجَلَّ «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» قَالَ: يَعْنِي مَرَّةً فِي الْكُرَّةِ وَمَرَّةً أُخْرَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (2)

از عبدالله بن نجیع نقل است که گفت: معنی این آیه را از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) پرسیدم: «بس کنید به زودی خواهید دانست باز هم بس کنید به زودی خواهید دانست» حضرت فرمودند: یک مرتبه در رجعت است و مرتبه دیگر در قیامت.

ص: 46

1- -سوره تکاثر: آیات 3 و 4.

2- - الزام الناصب: ج 2، ص 296 / الايقاظ: ص 282 / بحار: ج 53، ص 120 / البرهان: ج 5، ص 745 / تأویل الآيات الظاهرة: ص 815 / تفسیر کنزالدقائق: ج 1، ص 418 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 235 .

آیه سی و هشتم: وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا. (1)

«هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگش به او ایمان می آورد و روز قیامت گواه بر او خواهد بود.» فی تفسیر القمی فی قوله تَعَالَى «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» فَإِنَّهُ رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ إِذَا رَجَعَ مِنْ بِلَادِ النَّاسِ كُلِّهِمْ. (2)

در تفسیر قمی درباره ی آیه «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» روایت شده که به تحقیق وقتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به دنیا رجعت می کنند همه مردم به ایشان ایمان می آورند.

ص: 47

1- - - سورة نساء: آیه 159.

2- - - الايقاظ: ص 90، بحار: ج 52، ص 50 / البرهان: ج 2، ص 197 / تفسیر الصافی: ج 1، ص 519 / تفسیر القمی: ج 1، ص 158 / تفسیر نور الثقلین: ج 1، ص 157 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 94.

آیه سی و نهم: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا. (1)

«پس شما را بر آنها چیره می کنیم و شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم.» عَنْ الْمُعَلِيِّ بْنِ خَنِيْسٍ وَزَيْدِ الْحَشْمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: أَنْ أَوَّلَ مَنْ يُكْرَمُ فِي الرَّجْعَةِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ. (2)

از معلی بن خنیس و زید حشام نقل است که گفتند: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: اول کسی که در رجعت بر می گردد حضرت امام حسین (علیه السلام) است و چهل هزار سال در دنیا بماند تا ابروهایش روی چشمانش را بگیرد.

ص: 48

1- - سوره اسراء: آیه 6.

2- - الايقاظ: ص 358 / بحار: ج 53، ص 64 / البرهان: ج 3، ص 506 / مختصر البصائر: ص 91 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 142.

آیه چهلم: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (1)

همان ها که از پیامبر امی پیروی می کنند... پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند آنان رستگارانند.» فی التفسیر القمی: « فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ » یعنی برسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) « وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ » یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) « أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » فَأَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ أَنْ يَخْبَرُوا أُمَّهَمُ وَيُنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرُوهُ بِالْقَوْلِ وَامْرُوا أُمَّهَمُ بِذَلِكَ وَيَرْجِعُ رَسُولُ اللَّهِ وَيَرْجِعُونَ وَيُنصُرُونَهُ فِي الدِّينِ. (2)

در تفسیر قمی روایت است که « فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ » کسانی که ایمان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آوردند « وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ » یعنی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیروی و تبعیت کنند « أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » آنها رستگاران هستند. خداوند از پیامبران پیمان گرفت که امتشان را به آمدن پیامبر بشارت دهند و او را یاری نمایند. انبیاء هم با گفتار او را یاری نمودند و به امتشان دستور

ص: 49

1- - سورة اعراف: آیه 157.

2- - الايقاظ: ص 341 / بحار: ج 23 / ص 209 / تفسیر القمی: ج 1، ص 242 / کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 206.

دادند کہ امیرالمؤمنین (علیہ السلام) را نصرت دهند طولی نمی کشد کہ همه به دنیا برمی گردند و در همین دنیا او را یاری می کنند.

ص: 50

فصل سوم: رجعت از دیدگاه روایات

با توجه به این که دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) برای از بین بردن کتابهایشان در طول قرون و اعصار تلاشی فراوان نموده اند و بیش از 90 درصد کتابهای ما از بین رفته است، هنوز احادیث به جای مانده پیرامون رجعت بیش از حد تواتر است.

علامه مجلسی در دائرة المعارف بزرگ بحار الانوار بیش از 200 حدیث پیرامون رجعت نقل کرده و فرموده است. (1)

اگر احادیث رجعت متواتر نباشد در هیچ موردی نمی توان ادعای تواتر نمود. (2)

شیخ حر عاملی در کتاب گرانسنگ «الایقاظ» 520 حدیث در مورد رجعت نقل کرده و بعد از اثبات تواتر آن فرموده است:

ثبوت رجعت از ضروریات مذهب شیعه می باشد. (3)

ص: 51

1- - سخنرانی علامه علی اکبر مهدی پور، دهه فرخنده مهدویت 10-20 شعبان 1439 ق، مرکز جهانی ولی عصر - اصفهان.

2- - بحار: جلد 53، ص 123.

3- - الایقاظ: ص 60.

در بخش «رجعت از دیدگاه قرآن» چهل آیه از قرآن کریم که به رجعت تأویل و تفسیر شده است و در ذیل هر آیه حدیثی از اهل بیت (علیهم السلام) نقل کردیم. احادیث یاد شده در ذیل آیات برای اثبات رجعت از دیدگاه اخبار و احادیث کفایت می کند ولی از باب تبرک به پنج حدیث بسنده می کنیم.

حدیث اول: قَالَ الشَّيْخُ الصَّدُوقُ فِي كِتَابِ «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام): لَيْسَ مِنْتَا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتْنَا وَ... (1)

مرحوم شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از امام صادق (علیه السلام) روایت نموده که آن حضرت فرمودند: از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و ...

حدیث دوم: عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: ذَكَرْنَا لِقَائِمٍ وَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَصْحَابِنَا يَنْظُرُهُ فَقَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ فَيَقَالُ لَهُ: يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَتِهِ رَبِّكَ فَأَقِم. (2)

ص: 52

-
- 1- - الزام الناصب: ج 2، ص 221 / الايقاظ: ص 61 / بحار الانوار: ج 52، ص 125 / تفسير الصافي: ج 3، ص 252 / تفسير كنز الدقائق و بحرالغرائب ج 3، ص 312 / من لايحضره الفقيه: ج 3، ص 128.
- 2- - الايقاظ: ص 61 / بحار: ج 53، ص 119 / كتاب الغيبه (طوسي): ص 172.

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: در خدمت امام جعفر صادق (علیه السلام) صحبت از حضرت قائم (علیه السلام) و کسانی که در انتظار او جان داده اند به میان آمد حضرت فرمودند: هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند مأمورانی بر سر قبور مؤمنین بیایند و گویند: مولای تو ظهور کرده است اگر می خواهی به او ملحق شو و اگر می خواهی در جوار پروردگارت بمان.

حدیث سوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ عَمْرَانَ بْنَ أَعْيُنَ وَ أَبَا الْخَطَّابِ يَحْدِثَانِ جَمِيعاً قَبْلَ أَنْ يَحْدِثَ أَبُو الْخَطَّابِ مَا أَحْدَثَ أَنَّهَا سَمِعَهَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): يَقُولُ أَوَّلَ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَيُرْجَعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَإِنَّ الرِّجْعَةَ لَيَتَّ بِعَامَةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجَعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيْمَانَ مَحَضاً لَوْ مَحَضَ الشَّرْكَ مَحَضاً. (1) از محمد بن مسلم نقل است که گفت: شنیدم حمران بن اعین و ابوالخطاب پیش از این می گفتند شنیدم از امام صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: اول کسی که از قبر بیرون می آید و به دنیا برمی گردد حسین بن علی است و رجعت

ص: 53

1- - الزام الناصب: ج 2، ص 221 / الايقاظ: ص 60 / بحار: ج 52، ص 120 / البرهان: ج 3، ص 128 / مختصر البصائر: ص 99.

عمومی نیست. کسی به این دنیا بر نمی‌گردد مگر اینکه مؤمن خالص و یا مشرک خالص باشد.

حدیث چهارم: عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ: ... ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُمِيتَ الْأَحْيَاءَ وَيُرِدَّ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَيُقِيمَ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ وَنَبِيِّهِ فَأَبَشِرُوا ثُمَّ أَبَشِرُوا فَوَاللَّهِ مَا الْحَقُّ إِلَّا فِي أَيْدِيكُمْ. (1)

حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمودند به خدا قسم! روزها و شبها به پایان نمی‌رسد تا اینکه خداوند مرده‌ها را زنده نماید و زنده‌ها را بمیراند و خداوند حق را به اهلش بازگرداند و دینی را که مورد رضایت خود و رسولش می‌باشد برپا دارد. پس بشارت باد بر شما! بشارت باد بر شما! و بشارت باد بر شما؛ به خدا قسم! که حق جز در دست‌های شما نمی‌باشد.

ص: 54

1- - الزام الناصب: ج 2، ص 123 / الايقاظ: ص 62 / بحار: ج 53، ص 195 / البرهان: ج 3، ص 124 / مختصرالبصائر: ص 78.

حدیث پنجم: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: مَجَلَسُ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمًا وَعِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) وَ قَدْ اجْتَمَعَ الْفُقَهَاءُ وَ أَهْلُ الْكَلَامِ مِنَ الْفِرْقِ الْمُخْتَلِفَةِ؟؟ بَعْضُهُمْ... فَقَالَ الْمُؤْمِنُونَ: يَا أَبَا فَمَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ؟ فَقَالَ الرِّضَا (عليه السلام): أَيُّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَّةِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّةِ السَّالِفَةِ خَذُوا لِنَعْلِ النَّعْلِ وَ الْقَدَةَ بِالْقَدَةِ. قَالَ (عليه السلام): إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ مِنَ وَلَدِي نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ (عليه السلام) فَصَدَّ لِي خَلْفَهُ وَ قَالَ (عليه السلام): إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَ عَوَدَ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: ثُمَّ يَرْجِعُ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ. (1)

مأمون عباسی لعنت الله عليه از امام علی بن موسی الرضا (عليه السلام) پرسید: درباره رجعت چه می گویی؟ فرمود: رجعت حق است در امت های گذشته بوده و قرآن از آن یاد کرده. پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده: هر آنچه در امت های پیشین واقع شده نظیر آن در این امت نیز واقع می شود. نیز فرمود: هنگام ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) حضرت عیسی (عليه السلام) از آسمان فرود می آید و به وی اقتدا می کند. باز فرمود: اسلام غریب بود و به غربت باز می گردد خوشا به حال غریبان. پرسیدند: آنگاه چه می شود؟ فرمود: حق به اهلس بازمی گردد.

ص: 55

فصل چهارم: رجعت در میان گذشتگان و پیشینان

آیه اول: ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. (1)

«آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید سپاسگزار باشید.»

عبداللّه بن ابی بکر شیکری به خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کرد: گروهی از اصحاب شما خیال می کنند که پس از مرگ یک بار دیگر زنده شده به این جهان بازمی گردند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) با استناد به آیاتی از قرآن کریم در مورد رجعت استدلال نمود و در پایان فرمودند: این هفتاد نفر برگزیدگان حضرت موسی پس از مرگ زنده شدند و به خانه های خود بازگشتند. آنگاه مدتی

ص: 56

1- - سوره بقره: آیه 56.

زندگی کردند، غذا خوردند، ازدواج کردند، صاحب اولاد شدند و پس از فرا رسیدن اجلشان از دنیا رفتند. (1)

آیه دوم: **وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذَّارْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ . فَقُلْنَا اصْرِبُوهُ بَعْضُهُمَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.** (2)

«به یاد آورید هنگامی که فردی را به قتل رساندند پس درباره قاتل او به نزاع پرداختید و خداوند آنچه را که مخفی می کردید آشکار می سازد. پس گفتیم که قسمتی از گاو را به مقتول بزنید تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند. خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد شاید عقل خود را به کار ببرید.»

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه از ابن ابی عمیر نقل می کند که شخصی گفت: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: یکی از نیکان و علمای بنی اسرائیل زنی را خواستگاری کرد زن جواب مثبت نداد پس پسرعموی آن مرد که مرد فاسق و نالایقی بود خواستگاری کرد وی را رد کردند

ص: 57

1- - تفسیر صافی: ج 4، ص 129 / تفسیر برهان: ج 1، ص 132 / بحار الانوار: ج 53، ص 252.

2- - سوره بقره: آیات 72 و 73.

لذا بر پسرعموی خویش حسد برد و در کمینش نشست تا بی خبر او را کشت و جنازه را نزد موسی آورده که گفت پسرعموی مرا کشته اند؟ حضرت موسی فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت نمی دانم. در بنی اسرائیل هم قتل جرم بزرگی به شمار می رفت. بستگانش گرد آمده شروع به گریه و شیون کردند.

حضرت موسی فرمود: خدا دستور می دهد (برای پیدا کردن قاتل) گاوی را بکشید.

به حضرت موسی وحی شد بگو قسمتی از بدن گاو را به مقتول بزنید و از او بپرسند قاتل تو کیست. دُم گاو را به وی زدند و پرسیدند چه کسی تو را کشت؟ گفت فلان پسر فلان که پسرعموی من است. این است که خداوند می فرماید: «قسمتی از آن را به وی بزنید. این طور خدا مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نماید. شاید به عقل آید».(1)

از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت شده: شخص مقتول 60 سال داشت. هنگامی که به اذن خدا زنده شد خدای تبارک و تعالی 70 سال دیگر به او عمر

ص: 58

1- - الایقاظ: ص 137 / بحار: ج 13، ص 259 / البرهان: ج 1، ص 244 / تفسیرالصافی: ج 1، ص 141 / تفسیرالقمی: ج 1، ص 49 / کنزالدقائق: ج 2، ص 47 / تفسیر نورالثقلین: ج 1، ص 88 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 73.

داد 130 سال عمر کرد و تا پایان عمر از نشاط و تندرستی و سلامتی حواس برخوردار بود. (1)

آیه سوم: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ. (2)

«ندیدی کسانی را که هزاران نفر بودند و از ترس مرگ از سرزمین و دیار خود بیرون رفتند خدا به آنان گفت بمیرید پس آنها را زنده کرد خدا برای مردم همیشه دارای بخشش و رحمت است ولی اکثر مردم سپاسگزار نیستند.» از عمرو بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) و به نقل بعضی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه «مگر قصه ی آنان را که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ از وطن بیرون رفتند خداوند به آنان فرمود بمیرید پس همه را زنده کرد ندانستی؟» فرمودند: اینان هفتاد هزار خانوار و اهل یکی از شهرهای شام بودند گاهی در شهرشان طاعون می آمد و ثروتمندان که قدرت داشتند وقتی که می فهمیدند بیرون می رفتند و فقرا که

ص: 59

1- - تفسیرالصفای: ج 1، ص 143 / تفسیر البرهان: ج 1، ص 247.

2- - سوره بقره: آیه 243.

توانایی نداشتند می ماندند و در نتیجه طاعون زده در میان باقی مانده ها بیشتر بود. از این رو همه تصمیم گرفتند وقتی که آثار طاعون را مشاهده کردند عموماً از شهر بیرون روند. این دفعه که احساس طاعون کردند همه از ترس مرگ بیرون رفتند. مدتی در شهرها می گشتند تا به خرابه ای رسیدند که اهلس همه هجرت کرده بودند و طاعون همه را نابود کرده بود آنجا پیاده شدند.

وقتی که بارها بر زمین گذاشتند خداوند امر فرمود: بمیرید! همه در یک ساعت مردند و کم کم پوسیدند چون در راه عابرین بودند همه را در محلی جمع کردند.

یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل از آنجا عبور کرد. این وضع را که دید گریه کرد و اشکش جاری شد و گفت: پروردگارا! ای کاش همان طور که اینان را میراندی اکنون زنده شان می کردی تا شهرها را آباد کنند و نسلها را به وجود آورند و مثل سایر بندگان ترا بپرستند.

از جانب خداوند وحی شد: می خواهی زنده شان کنم! عرض کرد: آری! خطاب شد: چنان و چنان بگو و آن کلمات اسم اعظم بود چون به زبان جاری کرد دید استخوان ها به جان یکدیگر پرواز کردند و به هم پیوستند و همه زنده شدند و بنا کردند به یکدیگر نگرستند و سبحان الله و الله اکبر و لا اله الا الله گفتند اینجا حزقیل گفت: می دانم که خدا بر هر چیز

تواناست. عمر بن یزید گفت: حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: این آیه درباره ی اینها نازل شده است. (1)

آیه چهارم: أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَيْ يَحْيَىٰ هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ. (2)

«یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد در حالی که دیوارهای آن به روی سقفها فرو ریخته بود (و اجساد و استخوانهای اهل آن در هر سو پراکند بود او با خود) گفت: چگونه خدا اینها را پس از مرگ زنده می کند؟ (در این هنگام) خدا او را یکصد سال میراند سپس زنده کرد.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: عزیر پیامبر وقتی از عائله اش جدا شد همسرش باردار بود و خود او در سن پنجاه سالگی بود تا خدا او را صد سال میراند و پس از آن او را زنده کرد و برگشت به سوی اهلش به همان سن پنجاه

ص: 61

-
- 1- - الايقاظ: ص 124 / بحار: ج 6، ص 123 / البرهان: ج 1، ص 502 / تفسير الصافي: ج 1، ص 272 / تفسير كنز الدقائق: ج 2، ص 374 / تفسير نور الثقلين: ج 1، ص 241 / كافي: ج 8، ص 198 / كليلدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 75.
- 2- - سوره بقره: آیه 259.

سالگی در حالی که پسرش به سن صدسالگی رسیده بود و پسرش پنجاه سال از خودش بزرگتر بود و این از آیات خدا بود. (1)

آیه پنجم: وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَالْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (2)

«و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستاد که به آنان بگوید: من از طرف خدا معجزی آورده ام من از گل مجسمه مرغی ساخته و به آن (نفس قدسی) بدمم تا به امر خدا مرغی گردد و کور مادرزاد و مبتلای پیسی را به امر خدا شفا دهم و مردگان را به امر خدا زنده کنم و به شما (از غیب) خبر دهم که در خانه هاتان چه می خورید و چه ذخیره می کنید. این معجزات برای شما حجت و نشانه (حقانیت من) است اگر اهل ایمان هستید.»

ص: 62

-
- 1- - الايقاظ: ص 125 / بحار: ج 6، ص 124 / البرهان: ج 1، ص 506 / تفسير الصافي: ج 1، ص 275 / تفسير نورالثقلين: ج 1، ص 244 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم: ص 76.
- 2- - سوره آل عمران: آیه 49.

مرحوم طبرسی در تفسیرش می گوید: گفته اند که حضرت عیسی چهار نفر را زنده کرد:

اول: عارز که دوست وی بود و سه روز پس از مرگش بر سر قبر او رفت و گفت: (بار خدایا! ای پروردگار آسمانها و زمین تو مرا به سوی بنی اسرائیل فرستادی که آنها را به دین تو دعوت کنم و به ایشان خیر دهم که مردگان را زنده خواهی کرد. اینک عارز را زنده گردان)

پس عارز زنده شد و برخاست و پس از آن هم صاحب فرزندی گردید. دوم: پسر پیرزنی بود که حضرت عیسی جنازه ی او را بر دوش مردم دید که با تابوت می برند. پس دعایی کرد و او زنده شد و از دوش مردم پایین آمد و لباس پوشید و به خانه برگشت و بعد صاحب فرزند شد.

سوم: دختری ده ساله را که یک روز پس از مردن زنده ساخت تا به خانه خود برگشت و شوهر کرد و بچه دار شد.

چهارم: سام بن نوح که اسم اعظم خدا را خواند و دعا کرد و زنده شد. پس حضرت عیسی به او گفت: باید بمیری وی شرط کرد که خدا مرا از سكرات موت ورنج جان كندن در امان نگهدارد. عیسی در این باره دعایی نمود و دعایش مستجاب شد. (1)

ص: 63

1- - ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن: ج 4، ص 80 / کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم رجعت: ص 84-85.

آیه ششم: وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ. (1) «این چنین آنان را برانگیختیم تا از یکدیگر بپرسند. یکی از آنها گفت چقدر درنگ کرده اید؟ گفتند: یک روز یا قسمتی از یک روز گفتند: پروردگارتان داناتر است که چقدر درنگ کرده اید.»

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: گروه بسیاری از مردگان به این جهان بازگشتند و اصحاب کهف از این دسته اند که مدت 309 سال خداوند آنان را میراند سپس در زمان قومی که رستاخیز را نمی پذیرفتند آنها را برانگیخت تا حجت بر آن قوم تمام شود. (2)

آیه هفتم: وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ. (3)

ص: 64

1- - سوره کهف: آیه 19.

2- - تفسیر صافی: ج 3، ص 251 / بحار: ج 53، ص 267.

3- - سوره ص: آیه 43.

«و ما اهل و فرزندانى كه از او مردند و به مقدار آنها هم علاوه به او عطا كرديم (ايوب) تا در حق او لطف و رحمتى كنيم و تا صاحبان عقل متذكر شوند.»

از ابوبصير نقل است كه گفت: از حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام) درباره فرمايش خداوند «وَأْتَيْنَاهُ

أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ» پرسيدم كه چگونه خداوند

مانند آنها را به ايوب داد؟ حضرت فرمودند خداوند چه آن فرزندانش را كه قبلاً مرده بودند و چه آنان كه در واقعه امتحان مردند همه را با هم زنده نمود. (1)

آيه هشتم: وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ. (2)

«هنگامى كه به پسر مريم مثال زده شد ناگهان قوم تو از آن امتناع مى كنند.»

در تفسير اين آيه از ابن عباس روايت شده:

ص: 65

1- - الايقاظ: ص 125 / بحار: ج 12، ص 347 / البرهان: ج 3، ص 833 / تفسير الصافى: ج 3، ص 351 / تفسير نورالثقلين: ج 3، ص 448 / الكافى: ج 8، ص 252 / كليدواژه ي آيات رجعت در قرآن كريم: ص 187.

2- - زخرف: 57.

گروهی به خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند و عرضه داشتند ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)! عیسی بن مریم مرده ها را زنده می کرد شما نیز برای ما مرده هایی را زنده کنید فرمود: چه کسی را می خواهید؟ گفتند فلانی را که تازه از دنیا رفته است. آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) علی بن ابیطالب (علیه السلام) را فراخواندند و چیزی در گوش او فرمودند که ما نفهمیدیم. پس فرمود: همراه این جمعیت به کنار قبر آن شخص برو و او را با نام و نام پدرش صدا کن. امیر مؤمنان (علیه السلام) همراه آن جمعیت بر سر قبر آن شخص رفته و او را با نام و نام پدرش صدا کردند. آن شخص از قبر بیرون آمد و همراهان حضرت پرسش هایی از او کردند. آنگاه او در قبر خود آرمید و مردم بازگشتند در حالی که می گفتند این نیز از شگفتی های فرزندان عبدالمطلب است. پس خداوند این آیه را نازل کرد: «هنگامی که به پسر مریم مثل زده شود ناگهان قوم تو از آن امتناع می ورزند» (1).

ده ها روایت از طریق شیعه و سنی به ما رسیده است که هر چه در اقوام گذشته روی داده است کم و زیاد در این امت روی خواهد داد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آنچه در امت های پیش واقع شده مو به مو در این امت (امت اسلامی) نیز واقع خواهد شد. (2)

ص: 66

1- - تفسیر برهان: ج 4، ص 238 / الزام الناصب: ج 2، ص 293.

2- - بحار: ج 53، ص 210 / الايقاظ: ص 65.

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب پر ارج الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة هفتاد مورد از رجعت امت اسلامی در عصر معصومین (علیهم السلام) را آورده است. علاقمندان به این کتاب مراجعه فرمایند. [\(1\)](#)

ص: 67

1 - - الايقاظ: ص 64.

فصل اول: رجعت بانوان

باید بدانیم که در حکومت امام زمان (علیه السلام) زنان چه کسانی هستند، چند نفرند، از کجا می آیند و چه می کنند و چه مسئولیتی بر عهده دارند؟ بر اساس برخی از روایات حضور و نقش زنان به چند طریق آورده شده است:

اول: حضور پنجاه زن در بین یاران امام (علیه السلام):

در این مورد دو روایت وارد شده است:

روایت اول: از ام سلمه (علیها السلام) حدیثی درباره علائم ظهور از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده است که حضرت فرمودند: «بَعُوذُ عَائِذٌ فِي الْحَرَمِ فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَالطَّيْرِ الْوَارِدِ الْمُتَفَرِّقَةِ حَتَّى يَجْتَمِعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَأَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِ نِسْوَةٌ فَيُظْهَرُ عَلَى كُلِّ جَبَّارٍ وَابْنِ جُبَّارٍ... (1)»

ص: 70

1- - مجمع الزوائد: ج 7، ص 315 / معجم احادیث الامام المهدي: ج 1، ص 500 / المعجم الاوسط: ج 5، ص 334.

در آن هنگام پناهنده ای به حرم امن الهی پناه آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهارسو به یک جهت هجوم می برند به سوی او جمع می شوند تا این که در نزد آن حضرت سیصد و سیزده نفر گرد می آیند که برخی از آنان زن می باشند و بر هر جبار و جبارزاده ای پیروز می شوند.

روایت دوم: جابر بن یزید جعفی حدیث مفصلی از امام محمد باقر (علیه السلام) در بیان برخی نشانه های ظهور آورده است که حضرت فرمودند: وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَزَعًا كَفَزَعَ الْخَرِيفِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (1)

به خدا سوگند سیصد و سیزده نفر مرد می آیند که پنجاه نفر از این عده زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد؛ این است معنای آیه شریفه: هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند زیرا او به هر کاری توانا است.

توضیحاتی در مورد روایت: حضرت فرمودند سیصد و سیزده مرد می آیند که پنجاه نفر آنها زن هستند. اولاً اینکه آنها جزء آن سیصد و سیزده نفر هستند این است که امام (علیه السلام) می فرمایند: فیهم یعنی در این عده پنجاه زن وجود دارد.

ص: 71

ثانیاً اینکه تعبیر به مردان بدین سبب می باشد که بیشتر این افراد مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عدد مردان است.

ثالثاً اینکه اگر مقصود امام(علیه السلام) خارج کردن زنان از این عده بوده بایستی می فرمودند منهم ولی امام(علیه السلام) فرمود فیهم. یعنی جزء این سیصد و سیزده نفر هستند.

دوم: حضور چهارصد بانوی برگزیده که به همراه حضرت عیسی(علیه السلام) به زمین می آیند.

ابوهریره از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده است که حضرت فرمودند: يُنزَلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَى ثَمَانٍ مِائَةِ رَجُلٍ وَأَرْبَعٍ مِائَةِ امْرَأَةٍ خِيَارَ مِنَ الْأَرْضِ وَأَصْلَحَ مِنْ مَضَى. (1)

عیسی بن مریم(علیها السلام) به همراه هشتصد مرد و چهارصد زن از بهترین و شایسته ترین افراد روی زمین فرود خواهد آمد. در این روایت آمدن چهارصد زن همراه با حضرت عیسی(علیه السلام) تصریح شده که این زنان می توانند هم از امتهای گذشته و هم از امت اسلامی باشند که هنگام حضور حضرت مهدی(عج الله تعالی فرجه الشریف) همراه با حضرت عیسی(علیه السلام) به زمین بیایند.

سوم: زنده شدن عده ای از زنان مؤمن هنگام ظهور امام زمان(علیه السلام).

ص: 72

در بحث رجعت گفته شد که عده ای از افراد مؤمن و عده ای از افراد کافر به دنیا رجعت می کنند و این رجعت هم شامل مردان و هم شامل زنان می باشد که در منبع معتبر نام سیزده زن برده شده است که در هنگام ظهور قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رجعت خواهند کرد و در لشکر امام زمان (علیه السلام) به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت.

مفضل به عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند: همراه قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سیزده زن خواهند بود. گفتم آنها را برای چه کاری می خواهد؟ فرمودند: به مداوای مجروحان پرداخته و سرپرستی بیماران را بر عهده خواهند گرفت. عرض کردم: نام آنها را بفرمایید. فرمودند: قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه و البیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنقیه، صبیانه ماشطه و ام خلد جهینه ...

عَنْ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ: يَكْرَهُ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ امْرَأَةً قُلْتُ: وَ مَا يَنْفَعُ لَهُنَّ؟ قَالَ: يُدَاوِينَ الْجَرْحَى وَيُقِمْنَ عَلَى الْمَرْضَى كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قُلْتُ: فَسَمَّيْنَهُنَّ

لِي فَقَالَ: الْقَنْوَاءُ بِنْتُ رَشِيدٍ وَ أُمُّ أَيْمَنَ وَ حَبَابَةُ الْوَابِيَّةِ وَ سَمِيَّةُ أُمِّ عَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ وَ زُبَيْدَةُ وَ أُمُّ خَالِدِ الْأَحْمَسِيَّةِ وَ أُمُّ سَعِيدِ الْحَنْفِيَّةِ وَ صَبِيَانَةُ الْمَاشِطَةُ وَ أُمُّ خَالِدِ الْجُهَيْنِيِّ. (1)

ص: 73

این روایت را نویسنده کتاب بیان الائمه با واسطه از دلائل الامامة نقل می کند اما دو اسم در آن تضعیف شده است «زبیده» را «وتیره» و «الاحمسیه» را «الاحبشیه» نوشته است. (1)

در این روایت امام صادق (علیه السلام) از آن سیزده زن تنها نام نه نفر را یاد می کند که این بانوان جزء همان پنجاه بانویی می باشند که حضرت فرمودند در هنگام ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) به دنیا رجعت می کنند و به مداوای مجروحان و سرپرستی بیماران را به عهده می گیرند.

چهارم: زنان مؤمن و پرهیزکاری هستند که قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از دنیا رحلت کرده اند. هنگامی که امام زمان (علیه السلام) ظهور می کنند به آنها گفته می شود امام شما ظهور کرده اگر می خواهی می توانی رجعت کنی و به دنیا برگردی و در کنار امام زمانت باشی و به یاری دولت او پیردازی چنانچه در دعای عهد می خوانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمودند هر کس چهل صبح این دعا را بخواند از یاوران قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) ما باشد و اگر پیش از ظهور از دنیا برود خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد. (2)

ص: 74

1- بیان الائمه: ج 3، ص 417.

2- سفینه البحار: ج 2، ص 294.

فصل دوم: شرح حال برخی از بانوان رجعت کننده بر اساس تاریخ حیاتشان

صیانه آرایشگر (ماشطه): نامش صبانہ یا صیانه است و شغلش آرایشگری دختر فرعون بود که به او ماشطه آل فرعون یا ماشطه بنت فرعون می گفتند. (1)

ماشطه همسر حزقیل بود که حزقیل به مؤمن آل فرعون معروف بود و در قرآن کریم از او یاد شده است که برادر آسیه همسر فرعون بوده است و همان کسی می باشد که ایمانش را پنهان می کرد تا هنگام پیروزی حضرت موسی (علیه السلام) بر ساحران ایمان خود را آشکار کرد و با فرعونیان به مجادله پرداخت و همراه ساحران به دار کشیده شد و به شهادت رسید. (2)

ماشطه هم مانند همسرش ایمان خود را پنهان می کرد تا روزی در حال آرایش و شانه کردن موی دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد. در این

ص: 75

1-- کنز العمال: ج 84، ص 19.

2-- بحار الانوار: ج 13، ص 162.

هنگام گفت: سبحان الله دختر فرعون پرسید پدر مرا یاد کردی؟ گفت نه پروردگار خود و پروردگار تو و پروردگار پدرت را یاد کردم. دختر فرعون ماجرا را نزد پدر بازگو کرد و فرعون صیانه را احضار کرد و پرسید: پروردگار تو کیست؟ جواب داد: الله پروردگار من و توست. فرعون گفت: از عقیده خود برگرد او قبول نکرد. فرعون دستور داد تا تنور مسی آماده کنند و همه بچه های آن زن را در حضورش در تنور آتش انداخت چون نوبت به طفل شیرخوارش رسید صیانه می خواست به ظاهر از دین خود براثت جوید که کودک شیرخوارش به زبان آمد و گفت: مادر صبر کن که تو بر حق هستی. فرعون آن زن و بچه شیرخوارش را در آتش افکند سوزاند و خداوند در اثر صبر و تحمل آن زن در راه دین، او را در دولت امام زمان(علیه السلام) زنده می گرداند تا هم به آن حضرت خدمت کند و هم انتقام خود را از فرعونیان بگیرد.(1)

1- سمیه مادر عمار یاسر: وی همسر یاسر و مادر عمار بود و هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و اولین شهید اسلام می باشد که در سال پنجم بعثت به شهادت رسید.(2)

ص: 76

-
- 1- - قصص الانبياء: ص 296 / كنز العمال: ج 14، ص 21 / تاريخ مدينه دمشق: ج 16، ص 420: سير اعلام النبلاء: ج 6، ص 112 / البدايه و النهايه: ج 1، ص 385.
- 2- - مستدرک علی صحیحین: ج 3، ص 383 / مجمع الزوائد: ج 9، ص 291.

او و شوهرش یاسر در دام ابوجهل لعنت الله علیه گرفتار شدند و او نخست آنها را وادار کرد به پیامبر دشنام دهند آنها به چنین کاری راضی نشدند او نیز زره آهنی به سمیه و یاسر پوشانید و آنها را در آفتاب سوزان نگه داشت. وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دید که آنها شکنجه می شوند فرمود «یا آل یاسر فإِنَّ مُوعِدَكُمْ الْجَنَّةَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لآلِ یَاسِرٍ». ای خاندان یاسر صبر پیشه کنید که وعده گه شما بهشت است. خداوندا خاندان یاسر را بیامرزد. (1) سرانجام ابوجهل با نیزه ای آنها را به شهادت رسانید. (2)

خداوند این زن را به پاداش صبر و مجاهدتی که در راه اسلام نشان داد در ایام ظهور مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) زنده خواهد کرد تا تحقق وعده الهی را ببیند و در لشکر ولی خدا به یاوران آن حضرت خدمت کند.

2- نسبه دختر کعب مازنیه: معروف به ام عماره و از زنان فداکار صدر اسلام است و در سال سیزدهم بعثت به همراه همسرش در عقبه ثانی پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت و با ایشان بیعت کرد. (3) او در جنگ احد شرکت کرد و همچنین در جنگهای دیگر مانند خیبر و حنین شرکت داشت و مجروحان

ص: 77

1- شرح نهج البلاغه: ج 2، ص 36.

2- ریاحین الشریعة: ج 4، ص 353 / المصنف: ج 4، ص 42.

3- بحار الانوار: ج 19، ص 24 / تاریخ طبری: ج 2، ص 92 / سیره ابن هشام: ج 2، ص 302.

جنگی را مداوا می کرد ولی در جنگ احد وقتی دید که مسلمانان فرار می کنند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را تنها گذاشتند به دفاع از جان شریف آن حضرت پرداخت و در این راه بدنش زخم های فراوان برداشت. پیامبر این فداکاری را ستود و به فرزندش عماره فرمود: امروز مقام مادر تو از مردان جنگی والاتر است. (1)

سرانجام این بانوی بزرگوار در واقعه حره که یزید لعنت الله علیه برای فتح مدینه به این شهر حمله کرد در سن هفتاد و سه سالگی به شهادت رسید. (2) ایشان از کسانی می باشد که برای یاری امام زمان (علیه السلام) زنده خواهند شد.

3- ام ایمن: نام وی برکت و از اهل حبشه و هنگام حمله ابرهه به کعبه به مکه آورده شد که پس از شکست ابرهه اسیر گشت. ایشان کنیز آمنه مادر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و بعد از فوت آمنه پرستار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شد. (3) و وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با حضرت خدیجه (علیها السلام) ازدواج کرد او را آزاد ساخت و پیامبر به ایشان مادر خطاب می کرد. (4)

و می فرمود این زن باقی مانده خاندان من است. (5) ام ایمن چهارمین فردی است که به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آورد. (6) و جزو راویان و

ص: 78

1- - مغازی واقدی: ج 1، ص 272.

2- - مستدرک علی صحیحین: ج 3، ص 520.

3- - عدد القویه: ص 125.

4- - الاصابة: ج 8، ص 169.

5- - مستدرک علی صحیحین: ج 4، ص 70 / تهذیب الکمال: ج 35، ص 229.

6- - شرح نهج البلاغه: ج 13، ص 272.

محدثان به شمار می آید که چندین روایت از ایشان نقل شده از جمله روایت عقد حضرت زهرا(علیها السلام) و امیرالمؤمنین(علیه السلام) که جبرئیل و میکائیل در آسمان خواندند.(1)

و همچنین پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) ایشان را مسئول خرید جهیزیه برای حضرت زهرا(علیها السلام) نمود و در شب عروسی نیز دربان خانه حضرت زهرا(علیها السلام) بود.(2) ایشان در جنگهای احد و خیبر و حنین شرکت داشتند.(3) ام ایمن از شیفتگان خاندان امامت بود و همیشه در کنار اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بود و در مصائب از ایشان دفاع می کرد. در روزی که به خانه امیرالمؤمنین(علیه السلام) حمله شد و دشمنان خواستند امیرالمؤمنین(علیه السلام) را به مسجد ببرند ام ایمن خطاب به ابوبکر لعنت الله علیه گفت چه زود حسادت و نفاق خود را آشکار ساختید وقتی عمر لعنت الله علیه این جمله را از ام ایمن شنید دستور داد ام ایمن را از مسجد بیرون کنند.(4)

و در ماجرای فدک هم حضرت زهرا(علیها السلام) ایشان را به عنوان شاهد معرفی کردند در وقتی که ابوبکر لعنت الله علیه از آن حضرت شاهد خواست. حضرت فاطمه(علیها السلام) امیرالمؤمنین(علیه السلام) و ام ایمن را به عنوان شاهد معرفی کردند. که ام ایمن خطاب به ابوبکر لعنت الله علیه گفت تو را به خدا سوگند می دهم که آیا از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

ص: 79

1- - المناقب: ج 3، ص 346.

2- - کشف الغمه: ج 1: ص 350.

3- - ملحقات ابن سعد: ج 8، ص 225 / الاصابه: ج 8، ص 172.

4- - کتاب سلیم: ص 593 و 865.

شنیدی که فرمودند: ام ایمن زنی از اهل بهشت است. ابوبکر لعنت الله علیه گفت: بله. ام ایمن گفت پس بدان که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وحی کرد که حق نزدیکان را بده و پیامبر فدک را به امر الهی به فاطمه (علیها السلام) داد. (1) ایشان بعد از شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) قسم خورد که در مدینه نماند زیرا طاقت جای خالی حضرت فاطمه (علیها السلام) را نداشت. از این رو به مکه رفت. (2)

به خاطر همین فداکاری ها و عشق داشتن به اهل بیت (علیهم السلام) می باشد که ایشان جزو رجعت کنندگان می باشند. 1- حبابه والیبیه: ایشان در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) می زیستند و زمان امام رضا (علیه السلام) را نیز درک کرده است. دو بار جوانی اش به او بازگردانده شد یکبار به اشاره امام سجاد (علیه السلام) و بار دیگر به عنایت امام رضا (علیه السلام) و در زمان امام رضا (علیه السلام) فوت شدند و امام رضا (علیه السلام) او را در پیراهن مبارک خودشان دفن کردند. (3)

در حدیثی نقل شده که وقتی ایشان خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیدند از حضرت دلیلی بر امامت درخواست کردند. حضرت (علیه السلام) به سنگ

ص: 80

1- - تفسیر قمی: ج 2، ص 155.

2- - المناقب: ج 3، ص 338 / الخرایج و الجرائع: ج 2، ص 530.

3- - غیبت طوسی: ص 76.

کوچکی اشاره کردند و فرمودند آن را بیاور. وقتی آن سنگ را خدمت حضرت بردند امیرالمؤمنین (علیه السلام) با انگشتر خود بر سنگ مهر زدند پس فرمودند ای حبابه هر کس ادعای امامت کرد و توانست چنان که دیدی روی سنگ مهر کند بدان او امام است و اطاعت از او واجب. امام کسی است که هر چه بخواهد در دسترس او باشد. از این رو حبابه پس از شهادت هر امامی نزد امام دیگری می رفت و آنان مهر خود را به همان سنگ می زدند و اثر آن نقش می بست تا زمان امام سجاد (علیه السلام) که سن ایشان به صد و سیزده سال رسیده بود و به اشاره امام جوانی او برمی گردد و تا زمان امام رضا (علیه السلام) زنده بودند و خدمت هر امامی که می رسیدند آن سنگ را مهر می زدند و نه ماه بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) زنده بودند و پس از آن از دنیا رحلت کردند. (1)

5- قنواء دختر رُشید هَجَری: رشید هجری یکی از شیعیان و پیروان امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده که حضرت نحوه شهادتش را به او خبر دادند و از اصحاب سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می باشد که به دست عبیدالله بن زیاد لعنت الله علیه به شهادت رسیدند. که به گفته شیخ مفید؟ ره؟ هنگام ورود پدرش نزد عبیدالله بن زیاد قنواء شاهد قطع دو دست و دو پای پدر خود بوده و به کمک دیگران

ص: 81

1- - سفینة البحار: ج 1، ص 204 / کافی: ج 1، ص 326 / کمال الدین: باب 49 (با تلخیص و تصرف).

بدن نیمه جان پدر را از دارالعماره بیرون آورده و به خانه منتقل کرده است و همان شب دستور قتل رشید به دستور عبیدالله صادر شد و بعد از قطع کردن زبان او به طرز دلخراشی به شهادت رسید. (1)

قنواء از یاران باوفای حضرت امام صادق (علیه السلام) بوده (2) قنوا می گفت پدرم از من خواسته بود حدیث را کتمان کنم و قلبم را محل امانت قرار بدهم. (3) که نشان می دهد ایشان هم مانند پدرش اسرار می دانسته ولی اجازه بیان آن را نداشته.

علامه مجلسی؟ ره؟ در باب فصل انتظار روایت می کند قنوا می گوید به پدرم عرض کردم شما چقدر خود را به رنج و مشقت عبادت می اندازید؟ فرمود: دخترم قومی بعد از ما می آیند که در دینشان بصیرت دارند و شدت ایمانشان از ما بیشتر است. (4)

6- ام خالد: معروف به ام خالد مقطوعة الید (دست بریده) که از اصحاب امام جعفر صادق (علیه السلام) بوده که به جرم شیعه بودن توسط یوسف بن عمر

ص: 82

1- - اختصاص: ص 77 / رجال کشی: ج 1، ص 290 / امالی طوسی: ص 165 / الخراج و الجرایح: ج 1، ص 228.

2- - جامع الرواة: ج 2، ص 458 / رجال شیخ طوسی: ص 341.

3- - الاختصاص: ص 78.

4- - بحار الانوار: ج 52، ص 130 / محاسن: ج 1، ص 251.

دستهای او قطع گردید. او زنی صالح و از شیعیان و یاران امام صادق(علیه السلام) بوده و در سخنوری زنی بلیغ بوده و در کمال فصاحت و بلاغت سخن می گفت.(1)

ایشان هم از زنانی می باشد که امام صادق(علیه السلام) فرمودند جزء رجعت کنندگان می باشد.

7- زبیده: همسر هارون الرشید لعنت الله علیه و مادر محمد امین بوده.(2) ایشان یکی از هواداران و پیروان اهل بیت(علیهم السلام) بوده که وقتی هارون دانست او از شیعیان می باشد قسم خورد که وی را طلاق دهد.(3)

او معروف به خیر و تفضل کردن به اهل علم و اصلاح بود و به فقیران کمک می کرد که خدماتی بسیاری کرد و از مهمترین آنها آبرسانی به عرفات است. آثار زیادی در شهر مکه و مدینه و در راه مکه اعم از چاه آب و برکه ایجاد کرد.(4)

و همچنین گفته اند که زبیده صد کنیز داشت که پیوسته مشغول حفظ قرآن بودند و همیشه از محل سکونت او صدای تلاوت قرآن شنیده می شد.(5)

ص: 83

1-- رجال کشی: ص 242.

2-- تاریخ دمشق: ج 50، ص 329.

3-- تنقیح المقال: ج 3، ص 78.

4-- تاریخ بغداد: ج 14، ص 434.

5-- تنقیح المقال: ج 3، ص 78 / سیر اعلام النبلاء: ج 10، ص 241.

زبیده در سال 216 از دنیا رفت. قبر او در کرخ بغداد در قبرستان قریش می باشد. (1)

ص: 84

1- - تنقیح المقال: ج 3، ص 78 / تاریخ بغداد: ج 14، ص 434 / البدایه و النهایه: ج 10، ص 296.

بخش سوم: رجعت حضرت زهرا (عليها السلام)

ص: 85

در این قسمت از کتاب روایاتی که تصریح به رجعت حضرت زهرا(علیها السلام) دارد را به نظر خوانندگان این اوراق می‌رسانیم:

دلیل اول:

عَنْ سَلْمَانَ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِيًّا فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ عَرَفْتُ هَذَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ، فَقَالَ: سَلْمَانُ! هَلْ عَلِمْتَ مَنْ نَقَبَائِي وَمَنِ الْإِثْنَى عَشَرَ الَّذِينَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ لِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِي؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ.

فَقَالَ يَا سَلْمَانُ! خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْ صَفْوَةِ نُورِهِ وَدَعَانِي فَأَطَعْتُهُ وَخَلَقَ مِنْ نُورِي عَلِيًّا وَدَعَاهُ فَأَطَاعَهُ وَخَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِيٍّ فَاطِمَةَ فَدَعَاها فَأَطَاعَتْهُ وَخَلَقَ مِنِّي وَمِنْ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ: الْحَسَنَ وَدَعَاهُ فَأَطَاعَهُ وَخَلَقَ مِنِّي وَمِنْ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ: الْحُسَيْنَ فَدَعَاهُ فَأَطَاعَهُ ثُمَّ سَمَّانا بِالْخُمْسَةِ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِهِ فَاللَّهُ الْمَحْمُودُ وَأَنَا مُحَمَّدٌ وَاللَّهُ الْعَالِي وَهَذَا عَلِيٌّ وَاللَّهُ

ص: 86

الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ وَ اللَّهُ ذُو الْإِحْسَانِ وَ هَذَا الْحَسَنُ وَ اللَّهُ الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ ثُمَّ خَلَقَ مِنَّا مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةَ أَيْمَةٍ فَدَعَاهُمْ فَطَاعُوهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَ أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَ لَا مَلَكاً وَ لَا بَشَراً وَ كُنَّا نُوراً نُسَبِّحُ اللَّهَ وَ نَسْمَعُ لَهُ وَ نُطِيعُ .

قَالَ سَلْمَانُ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي ، فَمَا لِمَنْ عَرَفَ هَؤُلَاءِ ؟ فَقَالَ : يَا سَلْمَانُ ، مَنْ عَرَفَهُمْ حَقَّ مَعْرِفَتِهِمْ وَاقْتَدَى بِهِمْ ، وَوَالَى وَلِيَّهُمْ وَتَبَّرَأَ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَهُوَ وَاللَّهِ مِنَّا ، يَرُدُّ حَيْثُ نَرُدُّ ، وَيَسْكُنُ حَيْثُ نَسْكُنُ .

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ هَلْ يَكُونُ إِيمَانٌ بِهِمْ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ؟ فَقَالَ: لَا سَلْمَانُ! فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَّى لِي بِهِمْ وَ قَدْ عَرَفْتُ إِلَى الْحُسَيْنِ؟ قَالَ: لَا يَا سَلْمَانُ! فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَّى لِي بِهِمْ وَ قَدْ عَرَفْتُ إِلَى الْحُسَيْنِ؟ قَالَ: ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ بَاقِرٌ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ ابْنُهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ لِسَانُ الصَّادِقِ ثُمَّ ابْنُهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ غَيْظُهُ صَبْرًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ ابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضِيِّ لِأَمْرِ اللَّهِ . ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُخْتَارُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ . ثُمَّ ابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَادِي إِلَى اللَّهِ ثُمَّ ابْنُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّامِتِ

الْأَمِينُ لِسِرِّ اللَّهِ ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ الْهَادِي الْمَهْدِي النَّاطِقِ الْقَائِمُ بِحَقِّ اللَّهِ.

إِلَى اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ. يَا سَلْمَانَ! إِنَّكَ مُدْرِكُهُ وَمَنْ كَانَ مِثْلِكَ وَمَنْ تَوَلَّاهُمْ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ. قَالَ سَلْمَانُ: فَشَدَّ كَثْرَتُ اللَّهِ كَثِيرًا، ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنِّي مُؤَجَّلٌ إِلَى عَهْدِهِ. قَالَ يَا سَلْمَانُ! اقْرَأْ «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ أَوْلَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أَوْلِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا.» ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»

قَالَ سَلْمَانُ: فَاشْتَدَّ بِكَايِي وَشَوْفِي، ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَبْعَهْدٍ مِنْكَ؟

فَقَالَ: إِي وَاللَّهِ! الَّذِي أَرْسَلَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ مِنِّي وَمِنْ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالتَّسْعَةَ وَكُلِّ مَنْ هُوَ مِنَّا وَمَعَنَا وَمُضَامَ فِينَا، إِي وَاللَّهِ! يَا سَلْمَانُ وَ؟؟ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ وَكُلُّ مَنْ مَحَضَ الْإِيْمَةَ أَنْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا حَتَّى يُؤَخِّدَ بِالْقِصَاصِ وَالْأَوْتَارِ يَطْلُمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (1) وَيَحَقُّ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ

ص: 88

نَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». «وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»(1) قَالَ سَلْمَانُ:
فَقُمْتُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَا يُبَالِي سَلْمَانُ مَتَى لَقِيَ الْمَوْتَ أَوْ الْمَوْتُ لَقِيَهُ.(2)

از سلمان فارسی نقل است که گفت: محضر مبارک رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شدم چون نظرشان به من افتاد فرمودند: ای سلمان! خداوند متعال هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نفرموده جز اینکه برای او دوازده نقیب قرار داده. عرض کردم: ای رسول خدا! این مطلب را از اهل کتاب تورات و انجیل دانسته ام نقبای شما کیانند؟

حضرت(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای سلمان! خداوند مرا از برگزیده نور خود آفرید. پس مرا خواند و من اطاعتش کردم، و علی(علیه السلام) را از نور من آفرید پس او را خواند و او اطاعتش کرد و از نور من و علی(علیه السلام) فاطمه(علیها السلام) را آفرید پس او را خواند و او اطاعت کرد و از من و علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) حسن(علیه السلام) را آفرید و

ص: 89

1- - سورة قصص: آیه 5 و 6.

2- - الزام الناصب: ج 2، ص 274 / بحار الانوار: ج 25، ص 6، ح 9، ج 53، ص 142، ح 162 / البرهان فی تفسیر القرآن: ج 3، ص 503 و ج 4، ص 252 / دلایل الامامة: ص 448 / مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر: ص 6 / نوادر الاخبار فیما يتعلق بأصول الدین: ص 128، ح 26 / الهدایة الکبری: ص 375.

خواندش و او اطاعت کرد و از من و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و حسن (علیها السلام)، حسین (علیه السلام) را آفرید و او را خواند وی اطاعت کرد و ما را به پنج نام از نامهای خودش نام نهاد.

خداوند محمود است و من محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) خدا عالی است و این علی (علیه السلام) خدا فاطر است و این فاطمه (علیها السلام) خدا احسان است و این حسن (علیه السلام) خدا محسن است و این حسین (علیه السلام) پس از آن خداوند از ما و از صلب حسین (علیه السلام) نه امام آفرید و آنان را خواند آنها اطاعت کردند و این پیش از آن بود که خداوند آسمان افراشته و زمین پهناور یا هوا یا ملک یا آب یا بشری را بیافریند و ما به علم او نوری بودیم که وی را تسبیح می نمودیم و دستورات و فرامین او را می شنیدیم و اطاعت می کردیم.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! چه ثواب و اجری است برای کسی که ایشان را بشناسد!

حضرت فرمودند: ای سلمان! هر که ایشان را بشناسد و به حقیقت معرفت به آنان پیدا کند و از ایشان پیروی کند و دوست بدارد هر که آنان را دوست دارد و دشمن بدارد دشمنان آنها را، او به خدا سوگند از ما است وارد شود هر کجا ما وارد شویم و منزل کند هر کجا که ما منزل کنیم.

ص: 90

عرض کردم: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)! آیا بدون شناختن نامهای ایشان ایمان به آنها کافی است؟ حضرت فرمودند: نه! ای سلمان! عرض کردم: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)! من تا حسین(علیه السلام) بیش نشناسم، بقیه را از چه راهی بشناسم؟

حضرت فرمودند: پس از حسین(علیه السلام)، آقای عبادت کنندگان فرزندش علی بن الحسین(علیه السلام)، سپس محمد بن علی باقر(علیه السلام) (شکافنده ی) علم اولین و آخرین از پیامبران و مرسلین و پس از او جعفر بن محمد صادق(علیه السلام) زبان گویای خدا، پس موسی بن جعفر کاظم(علیه السلام) فروشاننده ی غیظ و غضب خود به بردباری در راه خدای عزّوجلّ، پس علی بن موسی الرضا(علیه السلام) راضی به امر پروردگار، پس محمد بن علی(علیه السلام) برگزیده از خلق خدا و پس از او علی بن محمد(علیه السلام) راهنمای به سوی خدا، پس حسن بن علی(علیه السلام) صامت (خاموش) و امین بر اسرار خدا، پس از او محمد بن الحسن مهدی هادی(علیه السلام) و ناطق و قائم به امر خدای عزّوجلّ (عج الله تعالی فرجه الشریف) .

سلمان گوید: گریان شدم و عرض کردم: سلمان کجاست که آنها را درک کند؟ حضرت به من فرمودند: تو و امثال تو از کسانی هستید که به حقیقت شناخت و معرفت آنها را دوست دارید و آنها را درک می کنید.

سلمان گوید: خدای را بسیار شکر کردم. پس عرض کردم: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)! آیا من به زمان آنها می رسم؟

فرمودند: ای سلمان بخوان این آیه شریفه را «پس گاهی که آید وعده ی نخستین، آنها را برانگیزیم بر شما بندگان از ما، دارندگان نیروی سخت، پس بگردند میان شهرها و بوده است وعده ی شدنی» «پس بازگردانیم برای شما تاختن را بر ایشان و کمک دادیم شما را به مالها و پسرانی و گردانیم شما را افزون تر در گروه» پس گریه ی شوقم شدید شد و عرض کردم: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)! آیا شما در آن زمان حضور خواهید داشت؟ فرمودند: آری به خدایی که محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) را فرستاده! من و علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) و نه امام و هر مؤمنی که درباره ی ما به او ستم شده است حضور خواهد داشت. آری به خدا سوگند! ای سلمان! پس شیطان و لشکریانش و همچنین هر مؤمن خالص و هر کافر خالص بیایند تا قصاص و انتقام ظلم ها و خونها گرفته شود و خداوند احدی را ستم نکند و ماییم تأویل این آیه شریفه: «و اراده کنیم که منت نهیم بر آنان که ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیمشان ارث برندگان و فرمانروایشان دهیم در زمین» «و بنمایانیم فرعون و هامان و سپاهیان ایشان را از آنچه می ترسیدند» سلمان گوید: از نزد رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) برخاستم و عرض کردم: هر زمان مرگ بیاید سلمان باکی ندارد.

روى فى بعض مؤلفات اصحابنا عن الحسين بن حموان عن محمد ابن اسماعيل و على بن عبد الله الحسنى عن ابى شعيب [و] محمد بن نصير عن عمر بن الفرات عن محمد بن المفضل عن المفضل بن عمر قال: سالت سيدى الصادق (عليه السلام) ...

قال المفضل: يا سيدى ثم يسير الهدى الى اين؟ قال (عليه السلام) الى مدينه جدى رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فاذا وردها كان له فيها مقام عجيب يظهر فيه سرور المؤمنين و خزى الكافرين.

قال المفضل: يا سيدى ما هو ذاك؟ قال: يرد الى قبر جده (صلى الله عليه و آله و سلم) فيقول: يا معاشر الخلائق هذا قبر جدى رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم)؟ فيقولون: نعم يا مهدى آل محمد فيقول: و من معه فى القبر؟ فيقولون صاحبا و ضجيعاه ابوبكر و عمر فيقول و هو اعلم بهما و الخلائق كلهم جميعاً يسمعون: من ابوبكر و عمر؟ و كيف دفنا من بين الخلق مع جدى رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) و عسى المدفون غيرهما.

فيقول الناس: يا مهدى آل محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) ما ههنا غيرهما انهما دفنا معه لانهما خليفتا رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) و ابوا زوجنيه فيقول للخلق بعد ثلاث: اخرجوهما من قبرهما فيفر جان غفبين طرفين لم يتغير خلقهما و لم شيعب لونهما فيقول: هل

فيكم من يعرفهما؟ فيقولون: تعرفهما؟؟ و ليس ضجيعا جدك غيرهما فيقول: هل فيكم احد يقول غير هذا اوثيك فيهما؟ فيقولون: لا فيوخر اخراجهما ثلاثه ايام ثم ينتشر الخبر فى الناس و يحضر المهدي و يكشف البدران عن القبرين و يقول للفتاء: ابحثوا عنهما و انبشوهما فيبحثون بايديهم حتى يطون اليهما: يخرجان غفين طريفيين كصورتهم فيكشف عنهما اكفانهما و يامر برفعهما على دوقه يابسه نقره فيطبهما عليها فتحيى الشجرة و تورق و يطول فرعها.

فيقول المرتابون من اهل ولايتهم: هذا والله الشرف حقا و لقد فزنا بمحبتهم و ولايتهم و يخبر من اخفى نفسه ممن فى نفسه مقياس حبه من محبتهم و ولايتهم فيحضر فهما و يرونهما و يفتنون بهما و ينادى المهدي (عليه السلام): كل مناحب صاحبي رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) و ضجيعيه فليقرد جانبا فتتجزء الخلق جزئين احدهما موال و الاخر متبرى منهما.

فيعرض المهدي (عليه السلام) على اوليائهما البراءة منهما فيقولون: يا مهدي آل رسول الله نحن لم تنبرا منهما و لنا نعلم ان لهما عند الله و عندك هذه المنزله و هذا الذى بدالنا من فظهما انتبرا الساعة منهما و فدرانيا منهما ما را نيافى هذا الوقت؟ من نصارتهم و غضافتهم و حياة الشجرة بهما؟ بل و الله تنبرا منك و ممن آمن بك

مَنْ لَا يَوْمَنَ بِهِمَا وَمَنْ صَدَّبَهُمَا وَاخْرَجَهُمَا وَفَعَلَ بِهِمَا مَا فَعَلَ فَيَا مَرَّ الْمَهْدَى (عليه السلام) رِيحًا سَوْدَاءَ فَتَهَبُ عَلَيْهِمْ فَتَجْعَلُهُمْ كَأَعْبَازِ
نَخْلِ خَاوِيَةٍ.

ثُمَّ يَأْمُرُ بِإِنزَالِهِمَا فَيَنْزِلَانِ إِلَيْهِ فَيُحْيِيهِمَا بِأَذْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَيَأْمُرُ الْخَلَائِقَ بِالْاجْتِمَاعِ ثُمَّ يَقْضِي عَلَيْهِمْ قِصَصَ فِعَالِهِمَا فِي كُلِّ كَوْرٍ وَدَوْرٍ حَتَّى
يَقْضِي عَلَيْهِمْ قَتْلَ هَابِيلَ بْنِ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَجَمْعَ النَّارِ لِإِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَطَرْحَ يُوسُفَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي الْجُبِّ وَحَبْسَ يُونُسَ (عَلَيْهِ
السَّلَامُ) فِي الْحَوْتِ وَقَتْلَ يَحْيَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَصَلْبَ عِيسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَعَذَابَ جَرَجِيسَ وَدَانِيَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَضَرْبَ سَلْمَانَ
الْفَارَسِيِّ وَإِشْعَالَ النَّارِ عَلَى بَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحَسِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِإِحْرَاقِهِمْ بِهَا وَضَرْبَ يَدِ الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ
بِالسُّوْطِ وَرَفْسَبْطَنَهَا وَإِسْقَاطَهَا مُحْسِنًا وَسَمَ الحَسَنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَقَتْلَ الحَسِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَذَبْحَ أَطْفَالِهِ وَبَنِي عَمِّهِ وَأَنْصَارِهِ وَسَبِي
ذُرَارِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَإِرَاقَةَ دِمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَكُلَّ دَمِ سَفْكَ وَكُلَّ فَرْجِ نَكْحِ حَرَامًا وَ
كُلَّ رَيْنٍ وَخَبْثٍ وَفَاحِشَةٍ وَإِثْمٍ وَظَلْمٍ وَجُورٍ وَغَشْمٍ مِنْذُ عَهْدِ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى وَقْتِ قِيَامِ قَائِمِنَا كَلَّ ذَلِكَ يَعِدُّهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)
عَلَيْهِمَا وَيَلْزَمُهُمَا إِيَّاهُ فَيُعْتَرِفَانِ بِهِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِمَا فَيَقْتَصُّ مِنْهُمَا فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ بِمِظَالِمٍ مِنْ حَضْرَتِهِ

يصلبهما على الشجرة ويأمر نارا تخرج من الأرض فتحرقهما و الشجرة ثم يأمر ريحا فتسفههما في اليَمِّ نَسْفًا .

قال المفضل: يا سيدى ذلك آخر عذابهما؟ قال: هيهات يا مفضل والله ليردن وليحضرن السيد الاكبر محمد رسول الله صلى الله عليه وآله والصديق الاكبر أمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين والائمة(عليهم السلام) و كل من محض الايمان محضاً أو محض الكفر محضاً، وليقتصن منهما لجمعهم حتى أنهما ليقتلان في كل يوم وليلة ألف قتلة، ويردان إلى ما شاء ربهما.

ثم لكاني انظر ... يا مفضل ... اينا معاشر الائمة بين يدى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) نشكوا اليه ما نزل بنا من الائمة بعده و مانا لنا منالتكذيب و الرد علينا و سببنا و لعننا و تغويفنا بالقتل و قصد طواغيتهم الولاية لامورهم من دون الامة تبر قيلنا عن الحرمة الى دار ملكهم و قتلهم ايانا بالسم و الحبس فيبكي رسول الله(صلى الله عليه وآله وسلم) ويقول: يا بنى ما نزل بكم الا ما نزل يعدكم قبلكم.

ثم تبتدى فاطمة و تشكو ما نالها من أبى بكر و عمر و أخذ فدك منها و مشيها إليه في مجمع من المهاجرين و الأنصار و خطابها له في أمر فدك و ما ردّ عليها من قوله: إنّ الأنبياء لا تورث، و احتجاجها بقول زكريا و يحيى(عليه السلام) و قصّه

داود و سليمان(عليه السلام) و قول عمر: هاتى صحيفتك التى ذكرت أن أباك كتبها لك و إخراجها الصحيفة و أخذه إيّاها منها و نشره لها على رءوس الأشهاد من قريش و المهاجرين و الأنصار و سائر العرب و نقله فيها و تمزيقه إيّاها و بكائها و رجوعها إلى قبر أبيها رسول الله باكية حزينة تمشى على الرمضاء قد أقلقتها و استغاثتها بالله و بأبيها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و تمثّلها بقول رقية بنت صيفى:

قد كان بعدك انباء و هنتة *** لو كنت شاهدها لم تكبر الخطب

انا فقدناك فقد الارض و ابلها *** و اختل قومك فاشهدهم و قد نكبوا

ابدت رجال لنا فحوى صدورهم *** لا نايث و حالت دونك العجب

لكل قوم لهم قرب و منزلة *** عدالاله على الاذنين مقرب

يا ليت قبلك كان الموت حل بنا *** املوا اناس فقاو ابالذى طلبوا

و تقص عليه قصه ابى بكر و انفاذة خالد بن الوليد و قنفذاً و عمر بن الخطاب و جمعه الناس لاخراج امير المؤمنين(عليه السلام) من بيته الى البيعة فى سقيفه بنى ساعده و

اشتغال امير المؤمنين بعد وفات رسول الله؟؟ ازواجه وقبره و تعزيتهم و جمع القرآن و قضا دينه و انجاز عدياته و هي ثمانون الف درهم باع فيها تليده و طارفه و قضاها عن رسول الله...

وقول عمر: اخراج يا على الى ما اجمع عليه المسلمون و الا قتلناك و قول فضه جاريه فاطمه ان امير المؤمنين مشغول و الحق له ان انصفتن ان انفسكم و انصمتوه و جمعهم الجزل و الحطب على الباب لاحراق بيت امير المؤمنين و فاطمه و الحسن و الحسين و زينب و ام كلثوم و فضه و اضرامهم النار على الباب و خروج فاطمه اليهم و خطابها لم من وراء الباب قولها: ويحك يا عمر ما هذه الجرأة على الله و على رسوله؟ تريدان تقطع نسله من الدنيا و نعيد و تطفىء نور الله؟ و الله متم نوره و انتهاره لها.

وقوله: كفى يا فاطمه فليس محمد حاضراً و لا الملائكة آتية بالامر و النهى و الزجر من عند الله و ما على الا كاحد المعين فاخترى ان شئت خروجه بيعة ابي بكر او حراقكم جميعاً.

ص: 98

فقال و هي باكية: اللهم اليك نشكو فقد نبىك ورسولك و صفيك و ارتداد امته علينا و منهم ايانا حقنا الذي جعله لنا في كتابك المنزل على نبىك المرسل.

فقال لها عمر: دعى عنك يا فاطمه حمقات النساء فلم يكن الله ليجمع لكم النبوة و الخلافة و اخذت النار في خشب الباب.

و ادخال قنفذ يده لعنه الله يروم فتح الباب و ضرب عمر لها بالسوط على عضدها حتى صار كالدملج الاسود و ركل الباب يرجله حتى الصاب بطنها و هي حامله بالمحسن؟؟ الاشهر و اسقاطها اياه.

و هجوم عمر و قنفذ و خالد بن الوليد و صفقة خدها حتى بدقرطها تحت خمارها و هي بقهر بالبكاء و تقول: وابتاه وارسول الله ابنتك فاطمه تكذب و تضرب و يقتلجنين في بطنها. و خروج امير المؤمنين (عليه السلام) من داخل الدار محمرا العين حاسراً حتى القى ملاءته عليها و ضمها الى صدره و قوله لها: يا بنت رسول الله قد علمتني ان اباك بعثه الله رحمة للعالمين فالله الله ان تكشفى خمارك و ترفعى ناصيتك فولاله يا فاطمه لئن فعلت ذلك لا ابقى الله على الارض من يشهد ان محمد رسول الله و لا موسى و لا عيسى و لا ابراهيم و لا نوح و لا آدم [و لا] دابة تمشى على الارض و لا طائر في السماء الى اهلكه الله.

ص: 99

ثم قال: يا ابن الخطاب لك الويل من يومك هذا و ما بعده و ما يليه اخراج قبل ان اشهر سيفى فافنى غابر الامة.

فخرج عمرو خالد بن الوليد و قنفذ و عبدالرحمن بن ابي بكر فصاروا عن خارج الدار و صاح امير المؤمنين بفضه يا فضه مولاتك فاقبلى منها ما تقبله النساء فقد جاءها المخاض من الرفسة و رد الباب فاسقطت محسناً فقال امير المؤمنين (عليه السلام): فانه لا يحق يجده رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فيشكوا اليه.

و حمل امير المؤمنين...

ثم يقول الحسين (عليه السلام) مخضباً بدمه هو و جميع من قتل معه فاذا راه رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) بكى و بكى اهل السماوات و الارض لبكائه و تصرخ فاطمه (عليها السلام) فنزلزل الارض و من عليها و يقف امير المؤمنين و الحسن عن يمينه و فاطمه عن شماله و يقبل الحسين فيفمه رسول الله الى صدره و يقول يا حسين! فدتيك قرت عيناك و عيناى فيك و عن يمين الحسين حمزه اسد الله فى ارضه و عن شماله جعفر بن ابي طالب الطيار و ياتى محسن تحمله خديجه بنت خويلد و فاطمه بنت اسد ام امير المؤمنين (عليه السلام) و هن صارخات و امه فاطمه تقول « هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ

ص: 100

تُوَعَدُونَ» (1) اليوم « يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (2)

قال: فبكى الصادق (عليه السلام) حتى اخضلت لحيه بالدموع قال: لافزت عين لا تبكى عند هذا الذكر قال: وبكى المفضل بكاء طويلا ثم قال: يا مولاي ما فى الدموع يا مولاي؟ فقال: ما لا يحصى اذا كان من محق.

قال المفضل: يا مولاي ثم ماذا؟ قال الصادق (عليه السلام): تقوم فاطمه بنت رسول الله فيقول: اللهم انجز وعدك و موعدك لى فيمن ظلمنى و غصبى و ضربنى و جزعنى بكل اولادى فتبكيها ملائكة السماوات السبع و حملة العرض و سكانالهواء و من فى الدنيا و من تحت أطباق الثرى صانحين صارفين الى الله تعالى فلا يبقى احد ممن قاتلنا و ظلمنا و رفى بما جرى علينا الاقتل فى ذلك اليوم الف قتله... (3)

ص: 101

1- - سورة انبياء: آيه 103.

2- - سورة آل عمران: آيه 30.

3- - بحار الانوار: ج 53، ص 1 تا 35 / مختصر البصائر: ص 433 / الهداية الكبرى: ص 392 / شيخ حسن بن سليمان در كتاب منتخب البصائر روايت کرده به سند معتبر از مفضل بن عمر الايقاظ: ص 286، ح 109 / كتاب رجعت: ص 129 / كشف الحق خاتون آبادى: ص 121 / حق اليقين: ص 575 / النوار النعمانية: ج 2، ص 85 / عوالم الامام الحجة: ج 5، ص 19 / حلية الابرار: ج 2، ص 603 / نواب الدهور: ج 3، ص 295 / كتاب الرجعة استرآبادى: ص 100.

مفضل بن عمر روایت می کند از امام صادق (علیه السلام) که پرسیدم؟ ای سید من! ... پس مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) دیگر به کجا متوجه خواهد شد؟؟

فرمودند: به سوی مدینه جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و چون وارد مدینه شود امری عجیب از او به ظهور آید که موجب شادی مؤمنان و خواری کافران باشد.

مفضل پرسید که آن چه امری است؟

فرمودند: چون به نزد قبر جد بزرگوارش رسد گوید ای گروه خلائق این قبر جد من رسول خداست (صلی الله علیه و آله و سلم)؟؟

گویند: بلی ای مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

گوید که کیستند اینها که با او دفن کرده اند؟

گویند که دو مصاحب او و دو هم خوابه او ابوبکر و عمر لعنت الله علیهما. پس حضرت صاحب (عج الله تعالی فرجه الشریف) در حضور خلق از روی مصلحت می پرسند که کیست ابوبکر و کیست عمر؟ و به چه سبب ایشان را از میان جمیع خلائق با جدم دفن کرده اند، چه بسا کسان دیگر باشند که در اینجا مدفون شده اند.

پس مردم گویند: ای مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)! غیر ایشان کسی در اینجا مدفون نیست. ایشان را از برای همین در اینجا دفن کرده اند که خلیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند و پدر زنان آن حضرت بودند.

پس می فرمایند که: آیا کسی هست که اگر ببیند ایشان را بشناسد؟ گویند: بلی ما به صفت می شناسیم. باز فرماید که: آیا کسی شک دارد در اینکه ایشان در اینجا مدفونند؟ گویند: نه.

پس بعد از سه روز امر می فرمایند که دیوار را بشکافند و هر دو را از قبر بیرون آورند. پس هر دو را با بدنی تازه به همان صورتی که بوده اند بیرون آورند. پس بفرماید که کفن ها از آنان بگشایند و آنان را به دار کشند بر درخت خشکی، پس برای امتحان خلق در همان لحظه درخت سبز شود و برگ درآورد و شاخه هایش بلند شود. پس جمعی که ولایت ایشان را داشته باشند گویند که این است و الله شرف و بزرگی و ما رستگار شدیم به محبت ایشان! و چون این خبر منتشر گردد هر که در دل به قدر ذره ای از محبت ایشان داشته باشد حاضر شود. پس منادی از جانب صاحب(علیه السلام) ندا کند که هر که این دو مصاحب و دو هم خوابه حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) را دوست می دارد از میان مردم جدا شود و به یک جانب بایستد. پس خلق دو طایفه شوند یکی دوستدار ایشان و یکی لعنت کننده ایشان. پس حضرت عرض فرمایند به دوستان آنان که بیزاری جوئید از آنان وگرنه به عذاب الهی گرفتار می شوید.

ایشان جواب گویند که: ای مهدی آل رسول(صلی الله علیه و آله و سلم)، ما پیش از آنکه بدانیم که آنان را نزد خدا قرب و منزلتی هست از آنان بیزاری نکردیم چگونه

امروز بیزار شویم حال آنکه کرامات بسیار از آن دو نفر به ما ظاهر شد و دانستیم که مقرب درگاه حق اند. بلکه از تو بیزاریم و از هر که ایمان به تو آورده است و از هر که ایمان به آن دو نیاورده و از هر که آنان را به این خواری به درآورده و بر دار کشیده.

پس حضرت مهدی (صلوات الله علیه) امر نماید باد سیاهی را که بر ایشان وزد و همگی را به هلاکت رساند. پس بفرماید که آن دو ملعون را از درخت به زیر آورید و آنان را به قدرت الهی زنده گرداند و امر فرماید خلایق را که همگی جمع شوند پس هر ظلمی و کفری که از اول عالم تا آخر شده گناهانش را بر آنان بشمارد و زدن سلمان فارسی و آتش افروختن به در خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و حسن (علیها السلام) و حسین (علیه السلام) برای سوختن ایشان و زهر دادن امام حسن (علیه السلام) و کشتن امام حسین (علیه السلام) و اطفال و یاران او (علیهم السلام) و اسیر کردن ذریه رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و ریختن خون آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در هر زمانی و هر خونی که به ناحق ریخته شده و هر فرجی به حرام جماع شده و هر سودی و حرامی که خورده شده و هر گناه و ظلم و جوری که واقع شده تا قیام قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) همه را بر آنان بشمارد که از شما شده و آن دو نفر اعتراف نمایند که اگر در روز اول غصب حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمی کردند اینها در عالم نمی شد. پس امر فرماید که از برای مظلوم هر که حاضر باشد از آنان قصاص

نمایند پس آنان را بفرماید به درخت بکشند و آتش را امر فرماید که از زمین بیرون آید و ایشان را بسوزاند و بادی را امر فرماید که خاکستر ایشان را به دریاها بپاشد.

مفضل گفت که ای سید: این آخر عذاب ایشان خواهد بود؟

فرمود که هیئات ای مفضل! واللّه که سید اکبر محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و صدیق اکبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فاطمه زهراء (علیها السلام) و حسن مجتبی (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) شهید کربلا و جمیع ائمه هدی (علیهم السلام) همگی زنده خواهند شد و هر که ایمان محض خالص داشته باشد و هر که کافر محض بوده همگیزنده خواهند شد و از برای جمیع ائمه (علیهم السلام) و مؤمنان آنان را عذاب خواهند کرد. حتی آنکه در شبانه روزی هزار مرتبه ایشان را بکشند و زنده شوند پس خدا به هر جایی که خواهد در جهنم آنان را برد و معذب گرداند پس از آنجا مهدی متوجه کوفه شود...

پس فرمود که گویا می بینم ای مفضل آن روز که ما گروه امامان نزد جد خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ایستاده باشیم و به آن حضرت شکایت کنیم آنچه بر ما واقع شده از این امت جفاکار بعد از وفات آن حضرت و آنچه به ما رسانیدند از تکذیب و رد گفته های ما و دشنام دادن و لعن کردن ما و ترسانیدن ما را به کشتن و بیرون کردن خلفای جور ما را از حرم خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) به شهرهای خود و شهید کردن ما به زهر و محبوس گردانیدن ما.

ص: 105

پس حضرت رسالت پناه (صلی الله علیه و آله و سلم) گریان شود و فرماید که ای فرزندان من! نازل نشده است به شما مگر آنچه به جدش پیش از شما واقع شده.

پس ابتدا کند حضرت فاطمه (علیها السلام) و شکایت کند از ابوبکر و عمر علیهم اللعنة که فدک را از من گرفتند و چندان که حجت ها بر ایشان اقامه کردند سود نداد و نامه ای که شما برای من نوشته بودی برای فدک عمر لعنت الله علیه گرفت در حضور مهاجر و انصار و آب دهان نجس خود را بر آنانداخت و پاره کرد و من به سوی قبر تو آمدم ای پدر و شکایت ایشان را به تو کردم و ابوبکر و عمر [و خالد بن ولید و قنفذ] به سقیفه بنی ساعده رفتند و با منافقان دیگر اتفاق کردند و خلافت را از شوهر من امیرالمؤمنین (علیه السلام) غصب کردند پس آمدند که او را برای بیعت ببرند او ابا کرد هیزم بر در خانه ما جمع کردند که اهل بیت رسالت را بسوزانند. پس من صدا زدم که ای عمر این چه جرأت است که بر خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) می نمایی؟ می خواهی که نسل پیغمبر را از زمین براندازی؟! عمر گفت: که بس کن ای فاطمه که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حاضر نیست که ملائکه بیایند و امر و نهی از آسمان بیاورند علی را بگو که بیاید و بیعت کند و گرنه آتش می اندازم در خانه و همه را می سوزانم!

پس من گفتم در حالتی که گریان بودم: خداوندا! به تو شکایت می کنم از این که پیغمبر تو از میان رفته و امتش همه کافر شده اند و حق ما را غصب می کنند.

پس عمر صدا زد که حرفهای احمقانه زنان را کنار بگذار! خدا پیغمبری و امامت را هر دو به شما نداده است. پس عمر تازیانه زد و دست مرا شکست و در به شکم من زد و فرزندم محسن (علیه السلام) شش ماهه از من سقط شد و من فریاد می کردم که وابتاه! و رسول الله! دختر توفاطمه را دروغگو می نامند و تازیانه به او می زنند و فرزندش را شهید می کنند و خواستم که گیسو بگشایم امیرالمؤمنین (علیه السلام) دوید و مرا به سینه خود چسبانید و گفت: ای دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! پدرت رحمت عالمیان بود به خدا سوگند می دهم تو را که معجز از سر نگشایی و سر به آسمان بلند نکنی والله که اگر این کار را بکنی خدا یک جنبنده بر زمین و یک پرنده در هوا زنده نگذارد. پس برگشتم و از آن درد و آزار شهید شدم.

پس حضرت امیرالمؤمنین شکایت کند...

پس برخیزد امام مظلوم حسین بن علی (صلوات الله علیهما) با خون خود خضاب کرده با جمیع شهدایی که با او شهید شدند. پس چون حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) نظرش بر او افتد بگیرد و جمیع اهل آسمانها و

زمین گریان شوند و حضرت فاطمه (علیها السلام) نعره بزند که زمین بلرزد و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) از جانب راست حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بایستند و حضرت فاطمه (علیها السلام) از جانب چپ آن حضرت. پس حضرت امام حسین (علیه السلام) نزدیک آید. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) او را به سینه خود چسباند و بگوید که فدای تو شوم ای حسین (علیه السلام)! دیده تو روشن باد و دیده من درباره تو روشن باد و از جانب راست حضرت امام حسین (علیه السلام) حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) باشد و از جانب چپ او جعفر طیار (علیه السلام)، و محسن (علیه السلام) را حضرت خدیجه (علیها السلام) و فاطمه بنت اسد (علیها السلام) مادر امیرالمؤمنین (علیه السلام) برداشته بیاورند فریادکنان و حضرت فاطمه آیه ای تلاوت فرماید که آن اینست «هَذَا

يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (1) «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (2)

«این است آن روز که شما وعده می دادند.» «امروز می باید که هر نفسی آنچه کرده است از کار خیر حاضر گردانیده شده و آنچه کرده است از کار بد آرزو کند که کاش میان او و آن کار زشت فاصله دوری باشد»

ص: 108

1- - سوره انبیاء: آیه 103.

2- - سوره آل عمران: آیه 30.

پس حضرت صادق (علیه السلام) بسیار گریست و فرمود که: «روشن مباد دیده ای که نزد او ذکر این روایت شود و گریان نگرده»

مفضل گریست و گفت: ای مولای من! چه ثواب دارد گریستن بر ایشان. فرمود: که ثواب غیر متناهی اگر شیعه باشد.

مفضل پرسید: که دیگر چه خواهد شد؟ فرمود که: حضرت فاطمه (علیها السلام) برخیزد و بگوید که خداوندا! وفا کن به وعده ای که با من کرده ای در باب آنها که به من ظلم کرده اند و حق مرا غصب کرده اند و مرا زدند و به جزع آوردند به ستمهایی که بر جمیع فرزندان من کردند.

پس بگریند بر او ملائکه آسمانهای هفتگانه و حاملان عرش الهی و هر که در دنیا است و هر که در تحت الثری است همگی خروش بر آورند پس نمائد احدی از کشندگان ما و ستمکاران ما و آنها که راضی بودند به ستمهای ما مگر آن که هزار مرتبه در آن روز کشته شوند.

دلیل سوم:

مارواه الشیخ الجلیل رئیس الطائفه ابوجعفر طوسی فی المصباح الکبیر فی اعمال یوم الجمعہ عن الصادق جعفر بن محمد (علیه السلام) انه قال: من اراد ان یزور قبر رسول اللہ (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) و امیر المؤمنین و فاطمه و الحسن و الحسین و قبور؟؟ (علیهم السلام) و

ص: 109

هو فی بلده فلیغتسل يوم الجمعة الى ان قال: وليقل: السلام عليك ايها النبي ورحمه الله وبركاته السلام عليك ايها النبي المرسل والوصي المرتضى و السيدة الكبرى و السيدة الزهراء والسبطان المنتحيان و الاولاد و الاعلام؛ والامناء المستحزون جئت انقطاعاً اليكم و الى آبائكم و ولدكم؟؟ على بركة الحق فقلبي لكم سلم و نصرتي لكم معدة حتى حكم الله بدينه فمعكم معكم لامع عدوكم اني من القائلين؟؟ مقر برجعتكم لا انكر لله قدرة و لا ازعم الا ماشاء الله.(1)

شيخ طوسی در كتاب مصباح در اعمال روز جمعه از امام صادق(عليه السلام) نقل می کند که فرمودند: هر که بخوهد از راه دور قبر پیغمبر(صلى الله عليه و آله و سلم) امير مؤمنان(عليه السلام) حضرت فاطمه(عليها السلام) و حسن(عليه السلام) و حسين(عليه السلام) و قبر ديگر ائمه(عليهم السلام) را زیارت کند در روز جمعه غسل کند و بگوید: درود و رحمت و برکت های خدا به تو ای پیغمبر مرسل(صلى الله عليه و آله و سلم) و ای وحی پسندیده و ای بانوی بزرگوار(عليها السلام) و ای دو نوه برگزیده پیغمبر(صلى الله عليه و آله و سلم) و ای فرزندان رسول(صلى الله عليه و آله و سلم) و راهنمایان امت و امینان وحی خدا. از همه بریدم و به سوی شما و پدران و فرزند جانشینان شتافتم. دلم در اختیار شما

ص: 110

1- - مصباح المتعبد و سلاح المتعبد: شيخ طوسی: ص 252 / الايقاظ: ص 301، ح 2 / بحار الانوار: ج 100، ص 889 / مصباح الزائر: ص 36 / الزام الناصب: ج 2، ص 358 - جمال الاسبوع: ص 232.

است و نیرویم در کمکتان آماده است تا وقتی که خدا دینش را تحکیم فرماید با شمایم نه با دشمنان شما. به فضلتان عقیده مندیم و به رجعتان اقرار داریم. قدرت خدا را منکر نیستیم و جز خواست خدا رأیی نداریم...

دلیل چهارم:

ما رواه الشيخ الجليل ابو جعفر بن بابويه في كتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال في عقاب قاتل الحسين (عليه السلام) عن محمد بن علي بن جيلويه عن محمد بن يحيى عن محمد بن احمد عن محمد بن الحسين عن محمد بن نسان عن بعض اصحابه عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله ﷺ: اذا كان يوم القيامة نصب الله لفاطمة قبة من نور فيقبل الحسين (عليه السلام) و رأسه على يده فتصرخ صرفة الى ان قال:؟؟ الله لها في احسن صورة و هو تخاصم قتلة فيجمع الله قتلته و المجهزين عليه و من شرك في دمه فيقتلهم الحسين ثم ينشرون فلا يبقى احد من ذريتنا الا قتلهم قتله فعند ذلك يكشف الله الغيظ و ينسى الحزن و رواء السيد رضى الدين على بن طاوس في كتاب المهلوف على قتلى الطفوف.

اقول: الظاهر ان المراد من القيامة هنا الرجعة لانها مأخوذة من القيام الخاص اى الحيوية بعد الموت و قد اطلق على الرجعة في كلام بعض المتقدمين اسم القيامة

ص: 111

الصغرى و القرنية على ارادة ذلك هنا ما يأتى التصريح به من وقوع هذا بعينه فى الرجعه و ما هو معلوم من عدم ورود الاخبار بوقوع القتل و الحيوه بعد الموت مراراً كثيرة جداً فى القيامة الكبرى اصلاً و غير ذلك من القرائن على ان هذا لم يكن من قسم الرجعه فلا شك انه اعجب منها و اغرب فهو يزيل الاستبعاد لها و يمتع من انكارها و الله اعلم. (1)

شيخ صدوق در كتاب ثواب الاعمال از محمد بن نسان از يكي از شيعيان از حضرت صادق (عليه السلام) نقل مي كند كه پيغمبر (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: روز قيامت خداوند قبه اى از نور براى حضرت فاطمه (عليها السلام) نصب مي كند. حسين (عليه السلام) در حالى كه سر روى دست دارد مى آيد حضرت زهرا (عليها السلام) ناله اى مى زند. خداوند حسين (عليه السلام) را به بهترين صورتى در مى آورد تا با قاتلان مشخاصمه كند آنگاه هر كه را كه در خون او شركت داشته و در كشتش كمك کرده جمع مى فرمايد و همه را مى كشد. سپس زنده شوند و امام حسن (عليه السلام) همه را بكشد باز زنده شوند و امام حسين (عليه السلام) آنها را بكشد و همينطور هر يك از فرزندان ما جدا جدا آنها را مى كشد آنگاه خداوند خشم و غصه ما را برطرف كند و اندوه را فراموش گرداند. اين حديث را سيد بن طاوس در لهوف آورده.

ص: 112

صاحب کتاب الايقاظ مرحوم شيخ حر عاملی می گوید: ظاهراً مراد از «قیامت» رجعت است چون قیامت مشتق از قیام است یعنی قیام مخصوصی که عبارت از زنده شدن بعد از مرگ است چنانکه در کلمات بعضی از متقدمین هم از رجعت به قیامت صغری تعبیر شده و شاهد مطلب هم روایاتی است که عین جریان را راجع به رجعت می فرماید چنانکه بیاید و شاهد دیگر اینکه هیچ چیزی وارد نشده که در قیامت کسی را چند بار بکشند و باز زنده کنند و شواهد دیگری هم هست. علاوه بر اینکه اگر این موضوع را از اقسام رجعت بشماریم بی شک از رجعت عجیب و غریب تر است و استبعاد رجعت را برطرف و از انکارش جلوگیری می کند.

در پایان پس از بررسی آیات و روایات و حکایات بر همگان واضح گردید که عقیده به رجعت فاطمی حقیقتی است انکارناپذیر، و بدان امید که همگان در مقام درک آن برآییم، آن زمان را به انتظار می نشینیم.

شب شهادت حضرت زهرا(علیها السلام)

12 جمادی الاولی

1445 ه.ق

ص: 113

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

الاختصاص شیخ مفید

الاصابة ابن حجر عسقلانی

اصول کافی شیخ کلینی

اعلام الوری باعلام الهدی طبرسی

امالی شیخ طوسی

الایقاظ بالبرهان علی الرجعه شیخ حر عاملی

بحار الانوار علامه مجلسی

البداية و النهاية ابن کثیر

بیان الائمه شیخ مهدی زین العابدین

تاریخ بغداد خطیب بغدادی

ص: 114

تاریخ طبری الطبری

تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر

تاویل الایات الظاهره استرآبادی

تفسیر البرهان علامه بحرانی

تفسیر الصافی فیض کاشانی

تفسیر القمی قمی

تفسیر عیاشی عیاشی

تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب قمی

تفسیر مجمع البیان طبرسی

تفسیر نورالثقلین حویزی

تنقیح المقال علامه مامقانی

تهذیب الکمال المری

ثبات الهداة شیخ حر عاملی

جامع الرواة اردبیلی

جمال الاسبوع سیدبن طاووس

حق الیقین علامه مجلسی

حلیة الابرار علامه بحرانی

الخرايج و الجرائح قطب راوندی

دلایل الامامة طبرسی

رجال طوسی شیخ طوسی

رجال کشی کشی

رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی محمد خادمی شیرازی

ریاحین الشریعة رسول محلاتی

الزام الناصب یزدی حایری

سخنرانی علی اکبر مهدی پور دهه مهدویت 1439 ه.ق

سفینه البحار شیخ عباس قمی

سیر اعلام النبلاء ذهبی

سیره ابن هشام ابن هشام

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

العدد القویة علامه حلی

عوامل الامام الحجة علامه بحرانی

عیون اخبار الرضا شیخ صدوق

فردوس الاخبار دیلمی

قصص الانبیاء جزائری

القطره علامه مستنبط

کامل الزیارات ابن قولویه

کتاب الرجعة استرآبادی

کتاب الغیبه شیخ طوسی

کتاب رجعت علامه مجلسی

کتاب سلیم بن قیس هلالی

کشف الحق خاتون آبادی

کشف الغمه فی معرفه الائمه محقق اربلی

کلیدواژه ی آیات رجعت در قرآن کریم سید محمد جعفر روضاتی

کلیدواژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم سید محمد جعفر روضاتی

کمال الدین شیخ صدوق

کنز العمال متقی هندی

مجمع الزوائد هیشمی

المحاسن برقی

مختصر البصائر حلی عاملی

مدینه المعاجر علامه بحرانی

مستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری

مصباح الزائر کفعمی

مصباح المتعبد شیخ طوسی

المصنف ابن ابی شیبہ

ص: 117

معانى الاخبار ابن بابويه

معجم احاديث الامام المهدي مؤسسه معارف اسلامى

المعجم الاوسط طبرانى

مغازى واقدى واقدى

مقتضب الاثر فى النص على الائمة الاثنى عشر جوهرى

ملحقات ابن سعد ابن سعد

من لا يحضره الفقيه شيخ صدوق

المناقب ابن شهر آشوب

منتخب البصائر حسن بن سليمان

نوادير الاخبار فيض كاشانى

النوار النعمانية سيد نعمت الله جزائرى

نوائب الدهور علامه ميرجهانى

الوافى فيض كاشانى

الهداية الكبرى خطيبى

ص: 118

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

